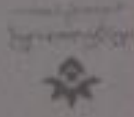


پیشروان و پویان

آموزش و پژوهش  
روابط بین الملل  
ایران





### آموزش و پژوهش روابط بین‌الملل در ایران

تألیف جمعی از نویسندگان  
تأثیر پژوهشگاه، مقالات ترجمانی و انجمنی  
طرح چند جهت‌دهی و روش‌های  
سخت‌افزار سه‌گانه‌ای  
نویسندگان: فریدون  
چاب‌نویز، بهمن ۱۳۸۸  
تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-5567-65-6

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان سپهر، پلاک ۱۰۳، شماره ۱۲۴، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

سایت: [www.iranianpsychology.com](http://www.iranianpsychology.com)

این اثر مشتمل بر آموزش و پژوهش روابط بین‌الملل، نقش و اثر بخشی، هیئت‌مدیره، حضور آن‌ها و ارتباط  
مؤثر آنها با پژوهشگاه است.

آموزش و پژوهش روابط بین‌الملل در ایران (مخمس: ۱۳۸۸، تهران)

محرران و نام‌پردازان: آموزش و پژوهش روابط بین‌الملل در ایران، تألیف جمعی از نویسندگان.

مشخصات نشر: تهران، پژوهشگاه، مقالات ترجمانی و انجمنی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۲۶ ص.

شابک: 978-600-5567-65-6

وضعیت فهرست‌نویسی: فهرست‌نویسی نشده است

موضوع روابط بین‌الملل - کنفرانس

ردیف‌نویسی: کتاب: ۱۳۸۸، شماره: ۱۳۱، ۱۳۱

ردیف‌نویسی: کتاب: ۲۲۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۷۵۳۳



### فهرست

- دنیایچه پژوهشگاه..... گفت
- درباره / دکتر مهدی داکتران..... بازده
- بخش یکم: روش‌ها، آموزش و پژوهش دانش روابط بین‌الملل در ایران..... ۳
- فصل اول: پایه‌های بازنمایی در رشته روابط بین‌الملل / دکتر سهراب حساری..... ۱۹
- فصل دوم: مدل‌های تئوریک روابط بین‌الملل و دانشگاه‌های ما / دکتر مهدی داکتران..... ۲۷
- فصل سوم: آموزش و رواند سیاست‌گذاری نظریه در ایران / دکتر سید محمد حساری / دکتر سهراب حساری..... ۴۳
- فصل چهارم: کاربرد مدل توسعه‌دهنده روابط بین‌الملل در ایران / دکتر سهراب حساری..... ۱۳۳
- فصل پنجم: آسیب‌شناسی یادگیری، آموزش و سنجش در رشته روابط بین‌الملل / دکتر سهراب حساری..... ۱۳۷
- فصل ششم: ساختار رشته روابط بین‌الملل در ایران / دکتر سهراب حساری..... ۱۴۷
- بخش دوم: مفاهیم و محتوای دانش روابط بین‌الملل در ایران..... ۱۸۷
- فصل هفتم: روابط بین‌الملل در ایران / دکتر سید محمد حساری..... ۲۴۱
- فصل هشتم: بررسی ساری روابط بین‌الملل در ایران / دکتر سید محمد حساری..... ۲۴۹
- فصل نهم: تحول مفهوم توسعه بین‌المللی و ضرورت پیوند تئوری و عمل در رشته روابط بین‌الملل / دکتر سهراب حساری..... ۲۵۹

## فصل ۴

### کاربست مدل تصمیم‌گیری جیمز روزنا

#### در پژوهش‌های تاریخی

(مطالعه موردی: ایران دوران قاجاریه)

دکتر محسن خلیلی\*

#### مقدمه

رشد دانش تاریخی، نیازمند معرفی میان‌رشته‌ای است؛ زیرا تاریخ، دو پیکره دارد: از یک‌سو، واقع‌های به‌جامانده از گذشته؛ و از دیگر سو، اوزبایی، تجزیه، تحلیل، شرح و تفسیر رخدادهای روی‌داده در سترهای زمانند و مکاتبتند. کار مورخ، بازخوانی، بازتفسیر و باز‌نمودن گذشته است که به حذف، جرح، بزرگ‌نمایی و کوچک‌کنمایی می‌انجامد. بنابراین، تاریخ به متنی تبدیل می‌شود که مورخ هنگام کار دربارهٔ واقعه‌ها، خلق و جعل می‌کند. حال بدون دستگاه‌های نظری و ابزارهای تئوریک نمی‌توان رویدادهای کوچک و ازشم‌چندشونده خرد را در قالب ساختارهای کلان و

\* استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

### ۱-۱. ضرورت‌های پژوهش

پژوهش تاریخی به‌معنای تحقیق دربارۀ گذشته و بنه و روایتی رویدادهای تاریخی، به چه دلیل صورت می‌گیرد و چرا ما باید تاریخ را به‌معنای شناسیت رخدادهای زمانمند و مکانمند گذشت مورد مطالعه قرار دهیم؟ قصدهای چون لذت، عبرت و بازسازی آنچه بر پیشینان رفته هر کدام به‌جای خود درست است، اما به‌طور کلی همه ما انسان‌ها در یک مفرودش تاریخی قرار گرفته‌ایم زیرا به‌واسطهٔ انسان بودن، در یک موقعیت و روایت تاریخی هستیم و به همین دلیل مشمول تاریخ می‌شویم چه بخوانیم و چه نخوانیم. تاکنون همگان به‌دروستی پذیرفته‌اند که تاریخ درست، تاریخ تحلیلی است و نه آن تاریخی که فقط به توصیف اوضاع فرمال‌تر و ایسان و شرحات انسان بپردازد و از حال مردم عادی و رنج‌ها و بلخنی‌های عوام می‌خبر باشد. بنابراین ما نیازمند پژوهش تاریخی هستیم که هم به‌معنای شناسایی رویدادها باشد و هم به‌معنای تفهیم انضامی رخدادهای پیشرفت‌ها و تجرب‌های گذشته و نیز به‌معنای تفسیر و تالیف گذشته در چهارچوب‌های جدید.<sup>۱۱</sup> انضام تاریخ و پژوهش تاریخی از سطح یک تفنن به سطح یک معرفت علمی به آن معناست که داده‌ها به نحو منظم به‌دست آید، به شیوۀ صحیح به هم‌دیگر مرتبط شوند، مجموعه‌ای از حقایق کلی باشد، به ما امکان پیش‌بینی بدهد و در ضمن حال‌داری کیفیت عینی باشد به آن سبب که اگر شناختد مربوط در برابر هر تأثیر بی‌غرض گزارده شود آنها را پذیرد. به همین دلیل خلاف عملیات باورهای بسیاری که داده‌های تاریخی را خام و فلابد جوهر می‌دانند می‌توان این نکته را پذیرفت که واقعیت‌های تاریخی، داده<sup>۱۲</sup> نیستند بلکه خود به‌تنهایی ساختارهای استدلالی‌اند و به همین سبب، تاریخ را از اساسی به‌مثابه رانهای توریک جلوه می‌دهند.<sup>۱۳</sup>

پیچیده دورهم گرد آورد و با هم مجتمع ساخت. نگارش متن تاریخی در قالب سامان‌دهی دوبارۀ مطالعه، خویش‌های گونه‌گون از رویدادها و در میان حب و بغض متغی و با متغیر شوندگان، برسازی می‌شود و دوام می‌یابد. درحقیقت، تاریخ، سازه‌ای است عقیدتی، به این معنا که به‌طور مستمر در معرض بازسازی، بازآزمودن و سامان‌دهی مجدد از سوی تمام کسانی است که کم‌وبیش به‌طور مضامونی از مسائبات قدرت تأثیر پذیرفته‌اند. درست آن است که مورخ به‌جای ارزش‌داوری‌ها، از نظر به‌های علمی بهره‌گیری کند.

### ۱. کلیات

نگارنده با کاربست مدل تصمیم‌گیری جیمز روزا که از تلییق دو سطح تحلیل خود و کلان پدیدار شده، تلاش کرده است ماهیت و شیوۀ تصمیم‌گیری در روابط خارجی ایران روزگار قاجاران را بشناسد. بنابراین با شرح، تبدیل، گامش و افزایش مولفه‌های پنج‌گانه تصمیم‌گیری، به کاربست یک مدل مهم‌پژیند با دانش روابط بین‌الملل در پژوهش‌های تاریخی دست بازنده است. هر کدام از مولفه‌های شخصیت تصمیم‌گیرنده، نقش و اختیارات تصمیم‌گیرنده، ساختار درونی دولت و دستگاه‌های حکومت‌گیر، درون‌مایه‌های رفتاری و ارزش‌های جامعه‌وری، و نظام بین‌المللی، خود به پنج عامل تقسیم شده‌اند. درواقع، ما کاربست بیست‌وپنج مؤلفه، کوشش شده است به نحوی توریک، کردارهای روابط خارجی ایران عصر قاجار مورد شناسایی قرار گیرد. بدون کاربست یک مدل پرکار موجود در دانش روابط بین‌الملل، تفهیم آنچه بر مسائبات فراموشی ایران دوران قاجار حاکم بوده است، غیرممکن می‌نماید.

و عدالت یا عدل آن را به‌دست می‌دهند، رابطه منطقی توانایی و قنایع را می‌سنجد و با تحلیل و تفسیر وقایع، تصویربرداری هرچه دقیق‌تر و روشن‌تر از جریان تاریخ ارائه می‌دهند. باید دانست که تحقیقات تاریخی هم‌راکنده نیست بلکه هم‌مردود خود تاریخ در حرکت و جریان است. با دست یافتن به اسناد و مدارک تازه، به‌خصوص، باید در آثار گذشتگان تجدیدنظر به‌عمل آورد. به‌علاوه، تحول تاریخی وجهه نظر و نگرش ما را نسبت به گذشته تغییر می‌دهد و مسائل تاریخی نوین به میان کشیده می‌شوند.<sup>۱۱</sup>

نگارزبانان در جریان نگارش پیشنهادی پایان‌نامه دوره دکتری علوم سیاسی، به‌سبب علاقه وافق به مسائل ایران در دوران قاجار، موضوع عقابانه دو رجل علمی‌رشته ایران را که هر دو مستقلاً با هم نام‌ها، یعنی شاه قاجار بوده‌اند به میان آورد که استاد راهنما اروا‌ن‌شاد داکتر محمدحسین‌جواد شیخ‌الاسلامی<sup>۱۲</sup> بسیار پیشنهاد می‌دهد و دستور به ادامه کار فرمودند. در ذهن نگارزبانان نیز زمانی بود که خطی‌نویسی وجود داشت. اگر از افراد نویسنده‌ای، ال‌علمی تا تحصیل‌کرده درباره شخصیت میرزا فتح‌علی خانی امیرکبیر پرسشی انجام دهیم، از یک‌سو، اکثریت قریب به اتفاق، او را می‌شناسند و از دیگری سو، به‌خصوص و نیک‌خوینی هم می‌شناسند، اما اگر همین پرسش را درباره میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سهیل‌الاریرسیم، از یک‌سو، عده‌ای بسیار کم او را می‌شناسند و از دیگری سو، در میان آن تعداد اندک، برخی که بسیارند، او را به‌عنوان اینکه فکر می‌کنم یک غریب‌زاده و وطن‌فروش بوده است، نام می‌برند. چرا چنین است؟ قطعات تاریخی درباره امیرکبیر تاکنون چنین بوده؛ دولتمرد غریب و استثنایی، یک مرد بسیار فوق‌العاده در کشور رجال ایران، نابغه زمان، نابغه شرق، پرورده ایران زمین، او را بیشتر فرستاده‌شده دشمن هر چه زیسته، مرد ناشی ایران، پرورگسود ایرانی، رجل یگانگانه ایران زمین، می‌دانستند، نگارموار مصلح، تنها سردار ایرانیان، امیر زمین و

نوعی آفت و آسیب اکنون بر دامن پژوهش‌های تاریخی سایه افکنده است. در اکثر آثار و کتب‌های تاریخی، شاهد هستیم که کمترین نشانه یا رویایی از بحث‌های تحلیلی و نظری، موضوعات و مسائل روش‌شناختی و متدولوژیک، مفهومی و مقولات غریبه پویا و دائماً در حال گذر از فلسفه تاریخ و جریان‌های متعدد و نخله‌های متنوع تاریخ‌نگاری کلان‌یکه، بدون هیچ پنداری در متن این آثار و با دست‌کم در مقدمه و مدخل آنها به‌عنوان فتح پای - گیرم برای ورود به بحث‌های سراسر روزهای و داستان‌نگارانه که تحت عنوان تاریخ وقایع‌نگارانه و تاریخ روانی عرضه می‌شوند - به چشم نمی‌خورد.<sup>۱۳</sup> راه درست آن است که از زاویه نگاه تحلیلی‌گرایانه و با کاربرد الگوهای نظری به‌نوعی و تحلیل داده‌ها و وقایع تاریخی و در نهایت به نگارش و تحریر و تحلیل تاریخ پرداخته شود. البته در کنار کاربرد الگوها و مدل‌های نظری، باید از اسناد و مدارک و داده‌های مسلم تاریخی با استفاده از تحلیل‌های جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، آماری، الگوها و پارادایم‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و تئوری‌های نوین موعده زبان‌شناسی، معناشناسی و نشانه‌شناسی بهره‌گیری تام و تمام شود. تمام این فنون و روش‌ها، به محقق مدد می‌رسانند تا از آن‌هایی که داستان تاریخ‌نگاری را به‌ویژه در ایران معاصر به خود آورده است، رها می‌باشد.

نگار تاریخی عنصر اصلی تاریخ‌نویسی جدید است. کار مورخ گردآورنده واقعیت‌ها از هر قیل و قلیم کردن آنها به‌صورت خشکی استخوان در موزة آثار باستانی نیست. تاریخ‌نگاری بوده‌اند که جزئیات و واقعیت‌ها را به‌صورت مواد خام تاریخ ثبت می‌کردند بدون اینکه در صدد کشف حلال و نتیجه آنها برآیند یا بتوانند از مجموعه آنها لکتر عمیقی عرضه بخارند... مورخ با بصیرت تاریخی، از آسود واقعیت‌ها، مهم‌ترین و باطنی‌ترین شان را مشخص می‌کند، چگونگی وقوع هر حادثه را به‌دورستی

سیاست و رفتار سیاسی است. برای آنکه مسئول گفته و یا به تغییر بیشتر، پند مشتاقانه استاد ابریح منتشر شوم که تاریخ نگاری به روش علمی، وابستگی نام و نامی دارد به اسطوره از مدارک و مابعد تا حدی که از وجود آنها آگاهی هست.<sup>۱۱</sup> از میان مدل‌های گوناگون تصمیم‌گیری، مدل تصمیم‌گیری جیمز روزنا برگزیده شد تا هم بهتر بتوان اثباتی از داده‌ها را فراهم آورد و هم بتوان به مواد خام پژوهش، نظام به‌سختی، در ضمن حال که این برای نخستین بار بود که در مطالعات و پژوهش‌های مرسوم به تاریخ روابط خارجی ایران از یک مدل تئوریک بهره‌گیری می‌شد. زیرا از یکسو، حسن خود جیمز روزنا اذعان داشته که مدل نظری وی بسیار پیچیده و صعب‌الوصولی در عین حال جامع و مانع است، و از دیگر سو، می‌خواستیم به عنوان کسی که علوم سیاسی خواننده تاریخ متناظر شوم، به همین دلیل تصمیم گرفته شد از مدل‌ها و تئوری‌های موجود برای شناخت نظری و دست‌آوردانه تاریخ روابط خارجی ایران دوران لاجاریه بهره‌گیری شود. کاری که تاکنون صورت نگرفته بود.

#### ۴. ویژگی‌های مناسبات فرآموزی ایران دوران ناصری

در دوره حوالایی سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، تاریخ روابط خارجی و مناسبات فرآموزی ایران، دستخوش دیگر گوی‌های مهم شد. در چنین عصری که نزدیک به نیم قرن به درازا کشید، در عرصه تصمیم‌گیری در روابط خارجی با دو ویژگی مهم تحول‌یابند، رخنه‌یابندری مواجه هستیم. فرآیندپذیری در حقیقت به این معناست که ساختار و یکپارگی تصمیم‌گیری در مناسبات فرآموزی تحت تأثیر و نفوذ مؤلفه‌های بیگانه و بیرونی قرار می‌گیرد و به طوری مستقیم می‌باید که کمتر می‌توان از آن به عنوان مشکلات داخلی و

زمان، اما تغییرات تاریخی درباره سببالا از این قرار بوده است. زبان او برای ایران اظهار من‌الشمس و این من‌الآسمان، باعث تسخیر صلح‌آمیز ایران، وابسته به غرب و فراموشی، تسهیل‌کننده جاده ورود استعمار به ایران، تانان و وابسته، وطن‌فرورشی، دزد، شاه، کلاهبردار، وابسته به انگلستان، مذاکره، بدخواه شاه، بدبامه، کم‌گوهر.

#### ۱.۲. قلمرو پژوهشی

در میان صدراعظم‌های دوره ناصری، با انتخاب امیرکبیر و سببالا، این نکته مفروضی گرفته شد که آنچه پیشتر مایه شهرت آن دو رجل و متصف شدن به صفی خاص شده برقراری مناسبات فرآموزی و روابط خارجی آنان با بیگانگان است و نه جهت‌گیری‌ها و اعمال و اصلاحات داخلی.<sup>۱۲</sup> به عبارت دیگر امیرکبیر را به عنوان یک رجل وطن‌پرست و مستقل مطرح کرده، رفتارها و کردارهایی او در روابط خارجی است. به همین ترتیب آنچه سببالا را به عنوان یک رجل وطن‌پرست و وابسته مطرح کرده، رفتارها و کردارهایی زیاده‌او در مناسبات فرآموزی ایران عصر بیگانه‌فاران است. بنابراین ماهیت و محدوده پژوهش به دو موضوع امیرکبیر و سببالا، روابط خارجی محدود و منحصر شد. اما باید از وصف و شرح رفتارها و کردارهایی آن دو صدراعظم پرعیز می‌شود زیرا بسیاری از پژوهشگران به‌خصوص مستوفی‌بدان پرداخته بودند. بنابراین باید وجهه نظر نگارنده به معرفی مفروضی می‌شد که حالتی ابدایی می‌باشد. رویکرد نگارنده به شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری معطوف شد زیرا این نکته بیک مفروضی ذهنی و علمی است که تصمیم، جوهره و ماهیت و ذات

<sup>۱۱</sup> نخستین بار که این مورد را به بحث پرداخته بودیم، در کتاب «تاریخ روابط خارجی ایران» نوشته دکتر است. باصحت و سقوتی منتشر شده واقع آن است که از پیشتر می‌خواهیم از این نتیجه‌یابنده‌ی پژوهش و تحقیق‌های آنها در حوزه داخلی و خارجی است. نظیر

تفاوت‌های بسیاری نهفته است. میزان اختیارات و اقتدارات پادشاه و صدراعظم‌های گوناگونی چون میرزا تقی‌خان امیرکبیر، میرزا آقاخان نوری، میرزا محمدخان سپهسالار، میرزا حسن‌خان سپهسالار، میرزا یوسف‌خان مستوفی‌الممالک و میرزا علی‌اصغر‌خان امین‌السلطان، به لحاظ منشی و جایگاه و نفوذ و مهارتشان در سیستم تصمیم‌گیری، تفاوت‌های مهم و گوناگونی نهفته است و نمی‌توان درباره آنها یک حکم کلی صادر کرد. در دوره نخست، پادشاه همان وظیفه‌دهی جوانی است که در پام سلطنت پدرش محمدرضا شاه تنها به ولایت عهدی بسنده کرده بود و ایشان حکم او تنها بر ولایت آذربایجان مکنی و منعی بوده است. به معنی آنکه وظیفه برای جانشینی پدرش به تهران می‌آیند آنقدر جوان است که احتمالاً فوت و پسرها و رسوم سلطنت را تنها همگانمان و پیشکارتان نزدیک هستند که می‌توانند به او بیاموزانند. در دوره نخست، ساختار تصمیم‌گیری و اسناد حکم تنها جنبه شخصی داشت و مکنی بر سن ایلی و قبیله‌ای و پندهای پادشاهی از نوع قاجاری بوده است. اما با تزل امیرکبیر، چند صیاحی حکومت‌گری پادشاه به تصمیم‌گیری‌های دوران خانوادگی بستگی داشته و کمابیش از مؤلفه‌های ایلی و تباری بهره می‌گرفته است؛ تا آنکه در دوره میانسالی ناصرالدین‌شاه، صدراعظمی بر کار که آموخته‌های فراوانی از دوران سفارتش در عثمانی به همراه داشت با توجه به برخی تغییرات که خود پادشاه در ساخت تصمیم‌گیری درباری داده و آن را پس از عزل میرزا آقاخان نوری و در زمان میرزا محمدخان سپهسالار مجری داشته بوده به یکباره رونق فریاد و چگونگی اداره کشور و تصمیم‌گیری را عوض کرد و برخی از راه و رسم‌های دیورسالارانه را به ساختار اداره کشور افزود. اما با عزل میرزا حسین‌خان سپهسالار که تکلیک صادرات او باامیر را خودش برانداخته و پست ملوکانه بیفتاده بود،

بومی یاد کرد. رخنه‌پذیری با رخنه‌سازی در عرصه تصمیم‌گیری نیز به آن منتهی که ساختار و پیکره تصمیم‌گیری یک کشور بیگانه مورچه شده است که می‌تواند با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گوناگونی چون مؤلفه‌های مبادی فرهنگی، شخصیتی و ساختاری در شوه و ماهیت تصمیم‌گیری کشور میزبان یا رخنه‌پذیر دخیل شود. بول و رشوه، شخصیت‌های روانی متزلزل و بیگانه‌ترس، مستبدانه بودن ساختار تصمیم‌گیرانه و جلوگیری از بروز ابتکارهای مقبول خارج از سیستم و مهم‌تر از همه فقدان فکری و فرهنگی موجود در میان نهنگان تصمیم‌گیری می‌تواند سبب رخنه‌پذیری دستگاه برنامهریز و تصمیم‌گیر یک کشور شود؛ به‌ویژه آنکه دستگاه فکری - فرهنگی موجود به شیوه‌های گوناگون درون‌ساز - درون‌ساز سیاسی ساختاری کشور خود را به دستگاه فکری - فرهنگی کشور رخنه‌کننده مستعد و وابسته می‌کند.

#### ۲-۱-۲-۱- آموزش فرهنگی ناصرالدین شاه

در بررسی تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران دوران ناصرعی باید به دو نکته به‌ویژه دقت کرد: از یک‌سو نمی‌توان تحولات سیاسی را از تحولات مهم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جدا دانست زیرا به‌مثابه یک مجموعه به‌هم‌پیوسته، ایران دوره قاجاری به‌طور اعم و ایران دوره ناصرعی به‌طور اخص نمی‌توانسته است خارج‌از‌تأثیر از محیط بین‌المللی به زیست سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود ادامه دهد و کم‌وبیش در این دوره مهم، ایران‌شان بیشترین تأثیر را از نفوذ مظاهر تکنیکی و جریانات‌های فکری مغرب‌زمین می‌پذیرفته‌اند. از دیگر سو نمی‌توان دوره پنجاه‌ساله ناصرالدین‌شاهی را بدون در نظر گرفتن برخی تمایزات مهم هم از حیث ساختاری و هم از جنبه شخصیتی مورد مطالعه قرار داد.

میان دوره جوانی و میانسالی و کسب تجربت‌های سیاسی، و تکنیکی و پیشگامی ناصرالدین‌شاه از حیث رفتار، اصولی و سلوک سیاسی

عدالت شهره می شود. ولی با ورود تکنیک های مدرن دیوانسالارانه به دوران سیستم اداری ناصرالدین شاهي کم کم و به تدریج نقش پادشاه - صدراعظم - همکاران اداری - اجرایی، پررنگ می شود و سرخلاف دوره نخستین نامری که به دلایلی متعدد، امیر حقن ققش مهم تر و پررنگ تر از پادشاه داشت، در دوره های بعدی سیستم اداری نامری با اختلاطی از سنن ایلی / تباری و تکنیک های دیوانی نیمه مدرن شکل می گیرد و به نسبت نفوذ و اقتدار مطالب زدنی امیر گوین، پایه صدراعظم ها چندانی نمی توانند بر و سنگ بگریزد و صاحب قدرت های آن چندی شوند. این امر سیر نمی شد مگر با تغییراتی که تکنیک های مدرن دیوانسالارانه پدید آورده بودند.

فضای فکری- فرهنگی دوره نامری از ۱۸۴۸ تا ۱۸۹۶ میلادی بسیار در غلبان بود و راه تجربه آموزی و به کار بستن را با شیوه های چندمی می آزمود. در نسبت آنچه آن را چالش سنت و مدرن در ایران نامیده اند، دوره نخستین زمانداری ناصرالدین شاه مقدمه دوره بیانی و آن نیز مقدمه دوره انحصاری است. در ابتدای دوره نامری نسبی ابزارگرایی و تکنیکال بر صحرائی از تولید فکر بازمانده قاجاری وزیدن گرفته بود که بن و ریشه خود را در ادوات توسل ارائه عباس میرزایی، محمدشاهي و میرزا آقااسی می یافت و کمتر درگیر درون مایه های فکری شده بود. در دوره بیانی ناصرالدین شاهي چشم ها اسون اجبار کلمه قانون شده بود ولی از قانون به رغم وجود بین مایه های فرائضی، یو دانتی کاملاً تکنیکی و اجرایی داشتند و به همین سبب ارزش جمله اگر زبال و راه امن بیادرم در صداد مسالک راهی کوثر می گیریم، دقیقاً برابر بود با جمله اگر تنها یک کلمه در کشور و مسالک بخوریم سر میخی و سحری شود قسم به حقیقت حق که مسالک راهی مملکت ما باید در راه نرفی، و آن یک کلمه قانون است، قانون، صبر فایز از تفاوت های بسیاری که میان آنها نهفته است. ولی در

دوباره فن بر همان پاشنه پیشین چرخید و شیوه حادف آنچه سه سالار معرول به از مغان آورده بود در پیش گرفته شد و پادشاه مسائل که فنون حکومت مستبدانه را به خویش آموخته بود دوباره خود را به عنوان همه کاره اداره کشور به همه اطرافیان تحمیل کرد. حتی تقسیم وظایف و اختیارات بین میرزا یوسف مستوفی الممالک مشهور به «جناب آقا» که متصدی امور مالیه و فاضله و عدلیه شد، و میرزا حسین خان مشیر الدوله سه سالار مشهور به «صغیرت اثر لوله» که متصدی امور خارجه شده بود، پس از عزل میرزا حسین خان از صدارت عظماء ناصرالدین شاه متصدی امور خارجه را به او داد و این کار نه از سر محنت پادشاهانه بلکه از سر ناچار می بود چون کسی را چون او این قدر آشنا و مسلط به امور خارجی در میان همگان سراغ نداشت (مابع از همه کاره گی پادشاه نشند و سیستم اداری) اجرائی نامری در حقیقت بند وجود او بود.

دوره سوم هم در شیوه پادشاهي ناصرالدین شاه پدید آمد که به سبک و سباق صدراعظمی چون میرزا علی اصغر خان امین السلطان، اتابک اعظم یک ساحلر تصمیم گیری تلفیقی پدیدار شد که هم نمودی از سنن و آداب و رسوم ایلی- تباری داشت و هم بیانی از تکنیک های دیوانی نیمه مدرن بود. قاریخ از نقش افراد در نظام اداری اجرائی دوره ناصرالدین شاه، خود سیستم تصمیم گیری نیز در دوران نخستین، بیانی و انحصاری ناصرالدین شاهي دچار تفاوت شده بود. در دوران نخستین امیر کبیر که حکم صدراعظمی گرفت در حقیقت پیشکار و امیر نظامی بود که مهر صدارت عظماء را از دست ناصرالدین شاه و در یک فرایند معهود دریافت می کرد. بنابراین افراد گوناگون موجود در یک سیستم اداری- اجرایی از برنامه ریزی و مقنن و سحری و شور و گدار و نهیسه، همگی در طول شیوه صدراعظمی تقی خان امیر مستفی می یافتند و به همین دلیل نظام سیرا تقی



احتمال کند به طرزى که کشور میزبان ناخودآگاه و خودخواسته به تسخیر کشور میهمان تصمیم بگیرد. پس نظام اداری فرورانشده و ناآهنگان، وجود افراد وابسته و دل‌نگران و نیز استبداد سیاسى که موجب عدم ابتکار و ملل‌داری تیره‌ها و توجه به مآزرای موزها می‌شود می‌تواند به همراه مضای فکری فرهنگی منظم به خارج و با درحقیقت تقابله‌کننده از نظام‌های فکری بیرونی، ساختار تصمیم‌گیری عرصه‌های داخلی و خارجی، یک کشور را در فضای خاص بین‌المللی متوجه چند و چون و کیفیات مورد علاقه کشورهای مسلط در نظام بین‌المللی کند.

ساختار و محتوای کنش و واکنش‌های نظام بین‌المللی موجود در سال‌های ۱۸۷۸-۱۸۱۵ بسیار متفاوت با سال‌های ۱۸۷۸-۱۸۴۸ میلادی است. این تفاوت‌ها هم به لحاظ علایق منطقه‌ای و هم به لحاظ ابزارها و کردارهای محیط بین‌المللی است؛ ولی این گوناگونی‌ها کمابیش حوزه آزادی و محورهای رایج برای کشورهای رخص‌پای، تصمیم‌پذیر، خودپذیر قرار می‌آورد که در آن اقدام به کنش می‌کند با این تفاوت که همچنان در همه دوره‌ها رخص‌پذیر و تصمیم‌پذیر و خودپذیر هستند. ولی در شایستگی و ضعف آن درجانی نهفته است. علاوه آنچه تاکنون می‌دانستیم که آقایان نوری، نه حسین‌خان سپهسالار و نه امین‌السلطان ابتدا به ساکن متلا وابسته و بنا برین خواه بودند، بلکه در یک فضای بین‌المللی خاص، برخی توانسته‌اند از رخص‌پذیری و خودپذیری و تصمیم‌پذیری بیشتر جلوگیری کنند و برخی موفق و کجایب به این کار نرسند. زیرا نظام بین‌المللی با قدرت بسیار بالا با کنش و واکنش‌های تیره‌و‌سازانه خود توانسته بود ساختار و روند تصمیم‌گیری

۱ باید توجه داشت که تأثیر محیط و شرایط بین‌المللی نباید منحصر به زمینه‌نگار کنش‌های کشور شود. تا ساله و بسطی از روی حوزه امکان‌پذیری در کنار شرایط مساعدت بین‌المللی لازم است لحاظ شود و ارتباط کلّی موانع از این جهت معلوم گردد.

دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاهی در واقع تکنیکی‌ترین، بیجان‌ایزاد و محتوا دور لهم علت‌ها و دلایل ترقی مسالک نریک صورت پذیرفته بود. برخی از متفکران توجه کرده بودند که نمی‌توان از ریل و راه‌آهن به فوئون رسید ولی وقت واقع‌تیر داشتند که بین راه‌آهن و قانون و ضمیر ترقی‌پوئندی موجود است و روح آن بی‌وقفه دلیل و نه علت ترقی است.

در حقیقت، در دوره نخست ناصرلی گمان می‌رفت علت ترقی غرب شناخته شده باشد، در دوره میانی ناصرلی خطی مسان علت و دلیل نور ریشه‌های ترقی غرب صورت گرفت ولی پساز هم دلایل شرو گذاشته و علت‌ها به جای دلایل شناخته شد. ولی در دوره پایان ناصرلی گمان می‌رفت که دلایل و علت‌ها بر سر جای خود نشسته‌اند و کمابیش این نکته درک شده بود که علت‌های مکانیکال و تکنیکال نمی‌توانند راز و رمز ترقی نریک را بگشایند بلکه دلیل‌های ذهنی و محتوایی می‌توانند نشان دهند که درون‌مایه ترقی کافرستان نریک از چه قرار است. این سه دیدگاه در طول ایام ناصرلی بر ماهیت تصمیم‌گیری‌ها هم در عرصه داخلی و هم در عرصه خارجی تأثیر می‌گذاشته و شیوه‌های اصل تصمیم را عوض می‌کرده است.

تصمیم‌گیری چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی بدون شک تحت تأثیر و نفوذ ساختار، ترکیب، روابط، ضوابط و سازوکارهای نظام بین‌المللی قرار می‌گیرد. به‌ویژه کشورهای کوچک اگر در یک موقعیت ژئوپولیتیک بالنبه مهم قرار گرفته باشند و نتوانند با قدرت از استقلال و نوابستگی خود دفاع کنند، تحت تأثیر سازوکارهای نفوذکننده، رسیخ‌گر و رخص‌خواهانه قرار می‌گیرند و نمی‌توانند از دام آن رهاسی باشند. در این زمینه دو نکته قابل توجه است: از یک‌سور، درون‌مایه‌ها و مؤلفه‌های گوناگون نظام بین‌المللی نمی‌تواند بدون داشتن سهیل‌های در نظام تصمیم‌گیری داخلی، یک کشور اصل تصمیم را در کشور میزبان دچار

اطلاعات است به یکدیگر متصل می‌کند. مدل تحلیلی از مفاهیم و فرضیه‌هایی تشکیل شده است که با هم پیوند تنگاتنگی دارند و به‌طورزی مجموعی، چارچوب تحلیلی منسجمی را تشکیل می‌دهند.<sup>۱۱</sup>

#### ۲-۲-۲. فرضیه‌پردازی

سال برای پاسخ به یک پرسش اصلی که چیرا می‌ان شوه و ماهیت تصمیم‌گیری در روابط خارجی ایران دوره ناصری در عصر صدارت‌عظمی امیرکبیر و سهپالار تملار وجود داشته است؟ می‌توان اقدام به فرضیه‌پردازی کرد. در چنین پژوهشی با توجه به دامنه گسترده موضوع مورد مطالعه از سه نوع فرضیه می‌توان بهره گرفت: فرضیه چهارچوب‌ساز، فرضیه دوچهره‌بودن فرضیه‌های زیه‌سال فرضیه چارچوب‌ساز چنین است: به‌نظر می‌رسد روابط خارجی و مناسبات فرامرضی ایران در عصر ناصری و به‌ویژه در دوره صدارت‌عظمی امیرکبیر و سهپالار از پنج مؤلفه (شخصیت تصمیم‌گیرنده، نقش و امتیازات تصمیم‌گیرنده، سازمان دولتی و دستگاه‌های نظامی و حکومت‌گر، دورنمای‌های رفتاری و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی، نظام بین‌المللی) تأثیر می‌پذیرفته و در شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری مضاروت و منابر می‌شده است. فرضیه‌های زیه‌سال نیز عبارتند از: الف) به‌نظر می‌رسد ایران عصر ناصری سیاست خارجی‌اش عداوتی بلکه از روابط خارجی‌اش و به‌مناسبات فرامرضی برخوردار بوده است. ب) به‌نظر می‌رسد عرصه‌گش و واکنش در روابط خارجی ایران دوره ناصری محدود به تصمیم‌گیری<sup>۱۲</sup> بوده است نه تصمیم‌سازی<sup>۱۳</sup> (ج) به‌نظر می‌رسد تصمیم‌گیری در عرصه مناسبات فرامرضی ایران عصر ناصری‌الذین شده محدود و متکی بر تعامل‌های دو‌سویه مغزور/محدود - غیرمرتبی/کم‌مرتبی - نظریه‌پردازی/ارخصه‌پردازی - غیرمرتبی/

1. Decision-Taking  
2. Decision-Making

در کشور میزبان راحت تأثیر قرار دهد. برای شایستگی تصمیم‌گیری در روابط خارجی، فرمالین چیستی ماهیت تصمیم در عرصه مناسبات فرامرضی و فهم چرایی وجود نوعی تمایز در شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری در روابط خارجی ایران عصر قاجار (با تکیه بر دوران صدارت عظمی امیرکبیر و سهپالار) باید به بررسی همسانی‌ها و ناهمسانی‌های موجود در فرایند تصمیم‌گیری و نیز بررسی اشتراک‌ها و افتراق‌های موجود در چیستی چگونگی و چرایی (ماهیت، ابزار و دلیل) فرایند تصمیم‌گیری در روابط خارجی عصر ناصری پرداخت.

اما این پژوهش مانند سایر پژوهش‌ها در عرصه علوم انسانی با یک مشکل مهم همچنان روبه‌رو است: در نظامی شاخه‌های علوم اجتماعی - به‌عنوان مثال در سیاست و اقتصاد و جامعه‌شناسی - سرگردانی در این مورد که از کجا باید شروع کرد، توجه خویش را بر کجا باید متمرکز ساخت و از کجا باید به موضوع چنگ انداخت، اموری گریزناپذیر است. در نظامی این رشته‌ها، دیدگاه‌های خرد و کلان هر یک خواناران سرسخت خود را دارند. در روابط بین‌الملل به لحاظ جامعیت موضوع، تعیین نقطه انگیزی مناسب، دشواری خاصی دارد از میان سطوح مختلف و ممکن برای تحلیل، باید توجه خویش را بر کدام سطح متمرکز سازیم؟ واحدهای مناسب مطالعه یا بازگیران کدامند؟<sup>۱۴</sup> بنابراین امروز بر وصف و شرح، به نسبت هم نیاز است تا بتوان به طوری هم‌زمان به پاسخ به پرسش‌هایی پرداخت که علاوه بر چیستی و چگونگی، به چرایی هم معطوف می‌شوند. در زمینه تاریخ مناسبات خارجی ایران هنوز که هنوز است پژوهشگران کمتر از تئوری‌ها، مدل‌ها و الگوهای نظری برای توصیف، تشریح و تبیین وقایع استفاده می‌کنند. مدل تحلیلی به‌منابه اولایی است که طرح نظری مسئله تعیین شده تحقیق را با کار بندی پژوهشگر که مشاهده و تحلیل

در منظومه تصمیم‌گیری، تقوید قیود در ساخت سلسله‌مراتبی منظومه تصمیم‌گیری، شیوه عمل و منی فرود در ساختار تصمیم‌گیری و مهارت‌های فرود در شناخت منطق درونی دستگاه تصمیم‌گیرنده، با همدیگر متفاوت بوده‌اند، به همین سبب در شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری در روابط خارجی و مناسبات فرارزوی ایران مشابه عمل گروه و اقدام به اصل تصمیم کرده‌اند. باید با یک هشدار و بیخ‌نگه به این موضوع پرداخت: چون امیرکبیر و سیهسالار قادر نبوده و نمی‌توانسته‌اند به‌تنهایی احتمال تصمیم‌کننده پادشاه را از حیث و حالت و اقتدار در نظام انزالی اجرائی و در ساخت سلسله‌مراتبی دستوردهی دست‌ریزایی مورد بررسی قرار دهیم. قیود تصمیم‌گیرنده از چه جایگاهی در ساخت فرمی تصمیم‌گیری برخوردار بوده است؟ قیود تصمیم‌گیرنده دارای چه حد و محدودیتی از اختیارات و چه میزان از اقتدارها در عرصه تصمیم‌گیری بوده است؟ قیود تصمیم‌گیرنده افزون بر موقعیت و مقام شخص از چه میزان نفوذی در عرصه تصمیم‌گیری برای پیشبرد منویات و تصمیم‌های مسأله‌ای برخوردار بوده است؟ قیود تصمیم‌گیرنده چگونه با افراد و جمل در عرصه تصمیم‌گیری اعم از فرادستان و فرودستان، منی و سلوک می‌کرده است؟ قیود تصمیم‌گیرنده چگونه و به چه شیوه از مهارت و تجربه‌های پیشین خود به نحو ماهرانه در فهم و پیشبرد کارورزوها و کردارهای درونی منظومه تصمیم‌گیری دست می‌پازیده است؟ سوئین فرضیه در چهارچوب نیز چنین است: به نظر می‌رسد هم‌امیرکبیر و هم سیهسالار از حیث ساختار درونی دستگاه دولت و دستگاه‌های حکومتی به لحاظ مفاد سیاست‌گذاران، مقنن، مجری، تفرقاتار و نخبه یا همدیگر متفاوت بوده و به همین سبب در شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری در روابط خارجی و مناسبات فرارزوی ایران مشابه عمل کرده و از نظم وابستگی یا نوابستگی به مقامات گوناگون انزالی اجرائی به گونه‌ای بالمانند اقدام به اصل تصمیم می‌کرده‌اند.

کم‌فصل - تصمیم‌پذیر: یک‌سویه / تصمیم‌ساز و گرسویه: می‌شده است. فرضیه‌های در چهارچوب نیز از این فرایند که با یک مفروضه بیابان همراه می‌شوند: اگر تصمیم‌گیری عبارت از عمل‌گریش بیان راجع‌های تبدیل یا جایگزینی‌های موجودی است که در مورد آنها یقین و قطعیت ندارد، به لحاظ تاریخی و در عرصه عمل سیاسی، فعل تصمیم از پیوند ویژگی‌های در محیط قیود اجتماعی / بیرون اجتماعی حاصل می‌آید.

درواقع تصمیم‌گیری در روابط خارجی و مناسبات فرارزوی برآیند پیوند و تلفیق درون‌مایه‌های کارکردی در محیط عملیاتی داخلی و خارجی است که در حین حال به آن محورهای پروژانه‌های کرداری نیز افزون می‌شود. نخستین فرضیه در چهارچوب عبارت است از: به نظر می‌رسد هم‌امیرکبیر و هم سیهسالار از حیث شخصیتی و با عطف توجه به ساخت خانوادگی، روحیات فردی، تعلق طبقاتی، پیشینه تجربی و اخلاقی سیاسی با همدیگر متفاوت بوده‌اند و به همین سبب در شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری در روابط خارجی و مناسبات فرارزوی ایران مشابه عمل کرده و اقدام به اصل تصمیم نموده‌اند. با یک هشدار و بیخ‌نگه: چون امیرکبیر و سیهسالار قادر نبوده و نمی‌توانسته‌اند به‌تنهایی احتمال تصمیم‌کننده پادشاه را نیز بررسی کنیم. با در نظر داشتن این نکته: قیود تصمیم‌گیرنده در چگونه خانوادگی رشد یافته بوده است؟ قیود تصمیم‌گیرنده از کدام نوع روحم‌های فرود برخوردار بوده است؟ قیود تصمیم‌گیرنده متعلق به کدام گروه و طبقه اجتماعی بوده و از چه میزان و پایگاه اجتماعی برخوردار بوده است؟ قیود تصمیم‌گیرنده از حیث مسائل سیاسی- انزالی دارای چه تجربه‌ها و پیشینه‌هایی بوده است؟ قیود تصمیم‌گیرنده از کدام جنس و جوهرهای انزالی و سلوک سیاسی برخوردار بوده است؟ سوئین فرضیه در چهارچوب عبارت است از: به نظر می‌رسد هم‌امیرکبیر و هم سیهسالار از حیث جایگاه فردی در منظومه تصمیم‌گیری، میزان اختیارات قیود

مغایرت بوده و به همین سبب در شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری در روابط خارجی و مناسبات فرامرزی ایران مغایرت عمل کرده و به توجی در جنبه‌های محیط فرار می‌گرفته‌اند که مجبور بوده‌اند به تطبیق و مقابله و متمایز و ویژه از همدیگر اقدام به عمل و اصل تصمیم کنند. در این زمینه باید بیگانه نظریه و پنج نکته را در نظر آورد: در دوره ناصرالدین شاه بعد از آنکه افکار عمومی چندان تبلور نداشته و نیز شاه فرتنگ سیاسی و پادشاه حاکم بوده است ولی این دو عنصر به همراه ایستادگانی که برخی ایرانیان فریخته دربار خودی و دیگری و نیز چینی و چکوبگی ترقی و مزبور شدن، عرصه تصمیم‌گیری را در حیطه فشارهای نامرئی، اکثر محسوس و گریزناپذیر قرار می‌داده است. چه نوع فرسنگ سیاسی در میان مردم و نجیبان و اربابان حکومت وجود داشته است؟ افکار عمومی از چه قدرت و نفوذ و تأثیری بر عرصه تصمیم برخوردار بوده است؟ کدام طبقه‌ها درباره شناخت هویت خودی یا ایران وجود داشته است؟ کدام نوز تلقی‌ها درباره شناخت هویت دیگری با مدرنیته وجود داشته است؟ کدام اندیشه‌های اقتصادی، ناشی از تحول مالی و پولی و معیشتی ایران وجود داشته است و چه شیوه‌ها و راه‌حل‌هایی را برای ترقی ایران در پیش با می‌نهادند؟ پنجمین فرضیه در چارچوب نیز چنین است: به نظر می‌رسد هم‌امیرگیر و هم سبیلار از حیث وضع و موفقیت نظام بین‌المللی - محیط مجاور و مؤثر و تأثیرپذیر، ایستادگی‌های منحصر به عمل در محیط منطقه‌ای، کشاکش‌های محیط فرامطوقه‌ای، ایستادگی‌های محیط بین‌المللی و کردارهای قدرتمندی چیره درون نظام بین‌المللی - در شرایط ناممکن زیسته و به همین سبب در شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری در روابط خارجی و مناسبات فرامرزی ایران متمایز عمل کرده‌اند و به توجی در جنبه‌های محیط فرار گرفته‌اند که مجبور شده‌اند به طریقی مغایرت و نه دلجوایانه از

این فرضیه را با یک نظر و پنج نکته باید مدنظر آورد: می‌توان صفات مقامات پنج‌گانه ساخت سلسله‌مراتبی نظام فرماندهی / فرمان‌پذیری صفر دو صدراعظم را با کاربرد واژه‌هایی چون صنایع، منابع، خاضع، تابع و تابع، دقیق‌تر شناخت. صنایع، سازنده برنامہ و بناکاران برنامہ تصمیم، صنایع؛ جلوگیرنده از سرایت برنامہ به مرحله نقیض، صنایع؛ حتی و بی‌مغایرت و بی‌عمل و مستلزم فرصت برای خلاصی از اجراء، تابع؛ گاهنده تیروری برنامہ و تصمیم و نفوذگرا برای زدایش اصل تصمیم و آثار تصمیم پیش از گام عمل و اصل تصمیم و بنا پس از مرحله عمل و اصل تصمیم، صنایع؛ سوخته‌باری به هر جهت، بدون کمک‌های ایثارگرانه و گوشه‌نشینی و حراست و نفیگری از سود برنامہ و تصمیم و گریز از زبان برنامہ و تصمیم، استراتژیست‌ها و رهبرندگان عرصه تصمیم‌گیری چه کسی یا کسانی بوده‌اند؟ و اصحاب قوا و رهبرندگان عرصه تصمیم‌گیری در درون ساخت برنامہ‌ریزانه چه کسی یا چه کسانی بوده‌اند؟ محور بیان توانم‌ریزان و تصمیم‌گیران چه کسی یا کسانی بوده‌اند؟ نوزگذاران گاهنده اثر / اثرپذنده اثر در عرصه برنامہ و تصمیم چه کسی یا کسانی بوده‌اند؟ نجیبان خارج از عرصه تصمیم‌گیری که می‌توان آنان را صاحبان توجی نیرو دانست که می‌توانسته‌اند با گفتار و نوشتار و کردار خود در راستای اصل، نوزگنده، جلوگیری یا عدم اصل، برنامی و جلوبرندگی تصمیم‌ها عمل کنند چه کسی بوده‌اند؟ چهارمین فرضیه در چارچوب از این قرار است: به نظر می‌رسد هم‌امیرگیر و هم سبیلار از حیث درون‌مایه‌های رفتاری، ایستادگی‌های سیاسی و ارزش‌های اجتماعی جامعه و اجتماع زمانه خود - فرسنگ سیاسی زمانه، افکار عمومی زمانه، ایستادگی‌های موقفی در پیوند با شناخت سنت و دشواری‌های ایستادگی موقفی در پیوند با شناخت فرسنگ و طریب و مدرنیسم و دیگری، اندیشه‌ها و تحولات اقتصادی و درآمدی مالی، با همدیگر

مدل روزانه نگارنده و تنها به نحوی اقتباسی از آن بهره گرفته است. متغیرهای به کار رفته در مدل وی، جزئی تر و دقیق تر شده و تنها برای انتظام پژوهش از آن به حد کافی بهره گرفته شده است. بنابراین هیچ گناه مستندات تاریخی فدایی نگهبانت چارچوبه مدل نشده است و هر گویا داده‌ها در مدل نظری جایی نداشته‌اند و با تلفیق مدل پرودهانه این الگوی نظری پروده که دچار گشاده و پست تورینگ شده است. افزون بر روش‌شناسی اقتباسی، نگارنده در رفت‌وآمد میان داده‌های تاریخی و رهیافت تحلیلی / تئوریک، از سایر مقوله‌های منضبط نظری همانند اندیشه سیاسی، حقوق اساسی، جامعه‌شناسی سیاسی، روان‌شناسی سیاسی و مدیریت نیز بهره‌مندی آزادانه بهره برده است تا هم به فربه‌سازی مدل پیشنهادی کمک شود و هم سهمی در تصحیح خطاهای تاریخی - ذهنی پست‌تاریخی - تئوریک، ایفا شود. بنابراین از حیث موضوعی، پژوهش پایان‌نامه بر چند پایه استوار شد که عبارت بودند از: روان‌شناسی، موزیک‌شناسی، نقش‌شناسی قهرمانی، دیوان‌سالاری سیاسی، شناخت فرهنگ سیاسی و اندیشه سیاسی، شناخت انگار، عمومی، اندیشه اقتصادی، و تحولات پولی / مالی، و شناخت ابزارها و کردارهای محیط نظام بین‌المللی.

در آغاز قرن نوزدهم ایران به گونه‌ای در طیف فعالیت‌های سیاسی و نظامی اروپاییان قرار گرفت و تا آنگاه خود را در برابر چالش‌هایی یافت که از هر سو با تهدیدهای بیرون‌سروزی پیشین مطابقت بود زیرا مدعیانی که دستاوردهای علمی و فنی پیشرفته داشتند شرایط بسیار نامعادله و نامبرابری را به او تحمیل می‌کردند. ناتوانی صاحبان قدرت در پاسخ‌گویی به چالش‌های بیرون‌سروزی، عملاً ایران را در طول قرن نوزدهم به میدان رقابت دو همسایه بدل کرد و در این رهنگار به‌تازگیها سوزن‌های واقع در شمال ارس، شمال ترکی، هرات، قسمی از بلوچستان و سلیمانیه از یک‌سره ایران

مهدیگر اقدام به عمل و احد تصمیم کنند. یک نظریه و پنج نکته را باید مدنظر آورد. ابتدا هرگونه تصمیم در عرصه روابط خارجی به‌طورای طبیعی هم کشوری را که در آن اقدام شده مورد تأثیر قرار می‌دهد و هم کشوری را که مفعول عمل تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد. بنابر این کلیه کشورها در عرصه رست خارجی خود هم می‌توانند بر محیط بین‌المللی و بیرونی مؤثر واقع شوند و هم در واقع از آن تأثیر می‌پذیرند. میزان تأثیر گذاری و تأثیرپذیری بستگی تام به مجموعه عوامل قدرت ملی یک کشور دارد. کشورها و مناطق واقع در محیط همسایر ایران چه تأثیری را بر شیوه اقدام و عمل و احد تصمیم در روابط خارجی می‌گذاشته‌اند؟ شکل و ماهیت منطقه محیط بر ایران چه تأثیری را بر روند تصمیم‌گیری روابط خارجی ایران گذاشته است؟ شکل و ماهیت محیط فوالمقصدی روسیه و انگلستان در احاطه بر ایران، آسیای مرکزی، افغانستان و خلیج فارس چه تأثیری را بر روند تصمیم‌گیری روابط خارجی ایران گذاشته است؟ کدام دسته از ابزارها در نظام بین‌المللی به موزونی محیط بیرونی بر داخلی منجر شده است؟ کدام کردارها و رفتارهای نظام بین‌المللی منجر به موزونی محیط بین‌المللی بر کشورهای محاط نظام بین‌المللی شده است؟

#### ۴-۲-۳. مدل تحلیلی

در انجام چنین پژوهشی که بر سه پایه توصیف، تشریح و تبیین به‌طورزی همزمان بنیاد نهاده شده است، نگارنده مدل تصمیم‌گیری چهار روزانه را که خود حاصل بیرون و تلقیق در سطح تحلیل خود و کلان است به کار بسته ولی دو ابتکار کامنده و مستطعم کننده را دخیل کرده است: از یک‌سوی، برای مستطعم کردن داده‌ها، استخراج مظهرها و استخراج و استنباط تئوریک به معنوی نظری برای آمدورشد میان داده‌های خام تاریخی و رهیافت‌ها و رویکردهای سیاسی / تئوریک، نیاز قرارتان بود، اما نگارنده خود را اسیر

## ۴.۴. تحلیل دوره صادرات امیر کبیر

روابط خارجی ایران طی دوره امیر کبیر بر سه پایه فزاینده داشته است: اول، سیاست توازن و عدم اطاعتی امپریالیسم دو دولت روسیه و انگلستان؛ دوم، کارست سیاست‌های نظامی و فاعلم‌مداری سوم - سیاست نیروی سوم و وسط دایره روابط خارجی، نگارنده این منظور در قالب الگوی تحلیل راننده، بر این اعتقاد است که هر سه رکن به نوعی از منظر نوع ارتباطات با الگوی مناسبات بین‌المللی - محمل نقد است. برای مثال، سیاست اول رسته در امور پیشین تاریخی دارد و می‌توان به عملکرد قشون‌مطلب و عیاشی‌میرزا - قبل از امیر کبیر - اشاره داشت. در خصوص محور دوم و امرای سیاست‌های ارتقاء، جلوگیری از پستی یک تجارت‌خانه و بیمارستان در استرآباد، بهجت لغو پردگی در حوزه خلیج فارس، پیشگیری از حمایت‌های کنسولی، سیاسی و حقوقی از اتباع ایرانی توسط خارجی‌ها؛ و با مقاومت در برابر عثمانی‌ها باید گفت که امیر قلع جلوی آنها را سد نمود ولی از حیث ابعادی شش‌گانه و کار بر چستی به حساب نمی‌آیند. برای مثال در موضوع اهرانه، آنچه رخ داد رفتاری، برای ایران به شمار نمی‌آید، چرا که انگلستان پس از تصرف پنج‌پنج پیشاور و سند، کبیر به اهرانه توجه داشت و آن را چندین فروردی و ارزشده نمی‌دانست. در خصوص رکن سوم، باید اظهار داشت که سیاست قدرت سوم، چندان مداخله به نظر نمی‌رسد؛ چرا که پیش از آن

باید توجه داشت که وجود ریشه‌های تاریخی برای سیاست‌های امیر کبیر، به هیچ وجه در ارتش انگلیس و بهایی آنها چیزی کم نمی‌کند. مهم تر این است که در آن مقطع تاریخی بوده که امیر کبیر به آن اعتماد و راه کار استقلال اول گرفت. بعد از استعفاء مولف در این قسمت مهمل نقد است. چرا که سلی بودن این سیاست‌ها، تحلیل ضعف آنها نیست. در واقع امیر کبیر در تحقق سیاست‌های مقاومت به عمل آورده که در صورت تحقق می‌توانست منابع ملی کشور را تحت نظر منظم قرار دهد. نتیجه آن که این مقاومت‌ها از اندازه دولت بر روی شخصیت امیر دایره کار در خصوص اهرانه، تعاضد موانع محیط است و به تحلیل همین موضوعی درباره انگلیس.

چنان شد و از اعاده و اعمال حاکمیت بر بحرین جلوگیری به عمل آمد بلکه فرار و راه‌های زیادی نیز به ایران تحمیل و امپراتوری عثمانی تحصیل شد. ایران در نهایت ضعیف که برآمده از دوره نخستین فاجارینه بود به دوره ناصری وارد شد و در همین حال، روسیه و انگلستان در نهایت قدرت با به میان رفتن پس بزرگ و مغرب به نام بازی بزرگ در این منطقه وسیع و مهم گدازانند و ایران را پیش‌اپیش به درجه‌های بالاتر افکندند. در روز بروز جمع مسائل، روی در ترقی است. ما چرا اسباب ترقی و آبادی منسلک خودمان را با اولیایم بیارزیم؟ چرا باید راه نسل‌زم و کارخانه‌جات احداث نکنیم که از هر چیز محتاج به منسلک خارجه باشیم؟ اگر نا حلال اقدام به ساختن بعضی راه‌ها کرده بودیم دو سال یک مرتبه قضا و قحطی، بعضی شهرهای ایران خاصه طهران را مستاصل و مردم آن را پریشان نمی‌کرد، جمع دول روی زمین با سلطنت مسئله هستند با سلطنت مشروطه، در میان دول روی زمین باره‌ای دولت‌ها بهم می‌رسد که خیلی کوچک باشند. همه در منسلکت و ولایت و جای و امور داخله خودشان مستقل و مختارند که هر قدری در داخله خودشان میل دارند و صرفه و صلاح خود را در آن می‌بینند به‌همند. دولت ایران که از همه قدرتمندتر و همیت‌مست استقلال را داشته و دارد چیرا باید به اندازه یک دولت پست کوچک هم استقلال در داخله خود نداشته باشد و هر قدری که مقرون به صرفه و صلاح و آبادی خود می‌بینند ندهند.

«۱» هیچ تکیه‌ای هم از مسیح و مکتوب و مشهود، به اندازه همین نقل قول طرابلسی از ناصرالدین شاه نمی‌تواند وضع مناسبات فرانسوی ایران عصر ناصری را به خوبی و تازیبی وصف و حتی تبیین کند. در واقع، ناصرالدین شاه در یک قمار بزرگ و با در یک بازی بزرگ، به گدیزی در میان دو سنگ بزرگ اسپانیا بدل شده بود و انگار برای بیرون رفتن از آن وضع هم قبلی در طالع پادشاهی اش نمی‌بافت.

کنیکال بود زیرا خود و اندیشه‌های مدرن را بیشتر از درجه‌ایزادها شناخته بود. - همان‌طی‌هایی می‌وزا که در دیپلومک سوگندنامه‌اش با پیر آسمه زویس، راز ترفی غریبان را در عمل به نوسازی ملکی و توبه و ایسای نظامیان قلیل داد ولی سه‌لار در وضعیتی شکست گیر افتاده بود. کارهایی او بیشتر- تریب به اتفاقه در امور دولتی و دادگستری به کار بسته شد و در عرصه روابط خارجی به‌دلیل نظم و نسبی که از زمان امیرگیر گرفته و تداوم یافته بود، کار مهمی نداشت و نکرد. سیاست نیروی سوم او هم سودی برای ایران نداشت. سیاست نوزاد و عدم اعتمادی امین را نیز به‌صراحت کار گذاشته بود ولی بیک سیستم فکری معین و یک نکته عملی معلوم نداشت که یکی برای ایران بسیار زود هنگام بود و دیگری در عمل به شکست و زمین‌بست انجامید. می‌وزا حسین‌خان به دلایل گوناگونی که پس از این خواهد آمد، آموزش‌های فرانکیسم و باکی بسیار نزدیک به مفهوم و معنای از عنصر ترقی‌گرایی و ماهیت سیاسی در ذهن داشت و به همین دلیل در عرصه عمل متوجه به روابط خارجی، آن را می‌خواست و می‌پرزوراند و مایل بود ایران وارد نظام جهانی شود. «قرارداد زولت» و بردن ناصرالدین‌شاه به فرنگ به این راستا بود ولی به حال او و ایران سودی نبخشید. چون روس و انگلیس چیر و رولاندتر از آن

و مدارای آن وقت نظر غیر بدان اهمیت دادند به ساین که از این‌ها را کم ازدهی نبود می‌وزا نداشت و استعدی ارائه شده که پذیرش صحت زیادی موجب را مشکل می‌سازد (انگلیس)

۱- جمعیتی موجب در خصوص مسئله غیر گفته، می‌با اهدافی پیشین روی هم‌گویی ایستادگان صحت آن معلوم است (انگلیس)

۲- ایها (مدرسی) ایها برای همکار و مراد است. همان است. اما در عمل می‌وزا حسین‌خان متعلق ایران با اهدافی سیاسی‌های غیر، و مدتی‌ها خود که نشان می‌دهد آسپه‌های ایران او تاجیه این انگلیس رضای بسیار بوده است و با هیچ‌نوعی می‌تواند برای آن نوعی پشت (انگلیس)

۳- قرارداد زولت، خواهی بود که به نظر می‌رسد، نفسی موجب برای توجیه همکاری می‌وزا حسین‌خان در قلبه بود که مدتی‌ها توسط شاه وقت قبول باشد در مجموع عناصر موجب در این قسمت یک‌نوع است (انگلیس)

توسط تصمیم‌گیری شاه، چیر و رولاند، قائم‌مقام این سیاست با وصیت از فرمان فرامی‌وزی برای حضور در ایران، عملی شده بود. از طرف دیگر ایجاد چنین سیاسی از حیث تناسب با اصول و مبانی نظام بین‌الملل درست، محل نقد است. دلیل این امر به عواملی چون بُعد مسافت، قدرت ترحم سوم بودن، عدم وجود علاقی ملکی، تجاری و سیاسی بازمی‌گردد که حضور نیروی سوم را می‌تواند موجب ساخت و بیشتر به یک زبست سه‌لک نزدیک می‌گردد.

در همین ارتباط می‌توان به اقدامات محمدشاه و میرزاآقاسی اول (سوم) (۱) اشاره داشت که از ابتدای همان روزهای ما و بلژیکی‌ها به عنوان نیروی سوم می‌خواستند استفاده نمایند. «گارتست سلوکارهای تطلیمی همانند رولاند بیرون دولت ایران بالای نام سلطرت‌خانه‌های ایران در خارج، ساختن بیرون ایران، اجرام سفیر و کاربرد و کسول به انگلستان و هند و روسیه، ایجاد باکیکی در وزارت خارجه، رواج ناگردد با گذر زمانه و نظم و نسق بخشیدن به بیرون میان سفرا و وزیرمختارهای دولت خارجی در ایران در روابطشان با شاه و صدر اعظم و واسطه قرار دادن وزارت خارجه بین آنها و مقاصد عالی‌رتبه دولت ایران از جمله اقداماتی بود که برخی سابقه در عهد دو پادشاه پیشین داشت و برخی نیز مبدعانه بود ولی تأثیر کمی در ارتقاء جایگاه ایرانستان در روابط خارجی داشت.» در مجموع امیرگیر رولاند کار می‌گردد و متنی از متنی

۱- مجموعه‌هایی که موجب ظهور داشته از دو محور قابل نقد است. اول - صحت بحثی چنین بحثی که باید بررسی شود آیا سیاست امیرگیر در آن زمان با این تقاضات روحیه بوده یا خیر، بررسی‌هایی باید جایگزین از موز بودن سیاست امیرگیر داده و این که تقاضای ارائه چندان مطمئن نیست. دوم - در صورت صحت مباحثات موجب در هم از این عمل امیرگیر مشخص می‌شود. چرا که امیرگیر در زمانی به این اقدام دست زد که روسیه هم‌امروزه در ایران، متعلق می‌باشد به شدت متحمل ساخته بود. اما اقدام امیر حلالی چنان ضرورت را کرده است (انگلیس)

۲- علاوه بر ذکر است که زمانی موجب در ارتباط با ارتاش و مباحثات ملکی این سیاست‌های امیرگیر، نیز معلوم نقد است. این که گمان دیگری چنین سیاسی را داشته‌اند هیچ اثر از این کار امیرگیر که نمی‌تواند مهم محاسبی و اثری این سیاست‌ها در عصر امیری می‌باشد که از دیدگاه

نگارنده ضمن حفظ چهارچوبه ساختاری مدل روزانا، محتوای آن را در راستای کامل‌تر و شین‌گراتر شدن، تغییر داده و بن‌بایه‌ها یا بخش‌های پنج‌گانه هر متغیر را نیز دقیق‌تر و رستار ساخته است. به دیگر سخن، مدل تصمیم‌گیری را در آثار امومی، گروه و سپس به‌کار برده است.

#### ۳-۱. متغیر رفتاری یا شخصیت

مجموعه یا کل صفات و ویژگی‌های یک فرد را شخصیت آن فرد می‌نامند. الگوی کلی یا همسازي ساختمان بدنی با رفتار و علائق و استفاده‌ها و توانایی‌ها و گرایش‌ها را شخصیت یک فرد می‌نامند. در این زمینه می‌توان از مشن یا صفات نسبتاً باثبات و پایدار، خلق یا جنبه‌های از شخصیت مانند عزت‌طلبی، بدخلقی، المروگی و به همچنان آمدن که دارای نوعی دلالت یا اشاره ضمنی می‌باشند است. مزاج یا خوی که جنبه‌های انفعالی یا مؤثر شخصیت نامیده می‌شود؛ هوش که استفاده سازگاری یا موقعیت‌های تازه است؛ استعداد یا آمادگی طبیعی با اکتسابی برای انجام برخی کارها به‌عنوان جنبه‌های گوناگونی از شخصیت نام برد که می‌توان در دو معنا به‌کار برد؛ نمودگر آن دسته از ویژگی‌های فرد یا افراد است که الگوهای ثابت رفتاری آنها را نشان می‌دهد؛ و نمودگر حاصل جمع ساده خصایص و ویژگی‌ها نیست بلکه نتیجه تعامل دینامیک آنهاست. در بررسی شخصیت انسان‌ها عمده نظرها مطلق به الگوی شخصیت سالم بوده است. از انسان بالغ، انسان با کسب کامل، انسان پسرورده، انسان خودمضطرب، انسان فروپیت‌یافته، انسان از خودفرارزاده و انسان این‌مکانی و این‌زمانی نام می‌برند. نگارنده برای شناخت نسبی از رفتار و اخلاقی فردی دو صدراعظم و نیز تاثيرالدين شاه تاجار شده است. هر آثار متغیر نخست مدل روزانا را به پنج عامل تقسیم کند و سپس از دوران موققه‌های پنج‌گانه متغیر نخست، رفتارها و خلق‌وخو و سلوک فردی را استخراج و استنباط کند.

بودند که یک ایران قوی را به دست خود پرورش دهند و از دیگر سو، حسین خاں تنها به کردارهای محیط بین‌المللی وقت کرده و ایستادگی آن را کمتر شایسته بود. نقشه‌های بزرگ<sup>۱</sup> در سر ولایت ولی حاصلی نداشت، گفته شدن اخیر به دست پادشاه راک ماناکی و بی‌همانی او در تشریح معاصر ایران است و گویا که از حیث فهم آنچه ما امروزه پس از سالها طی‌الانی و مسمای، جمال است و مدیریت می‌نامیم، نکته دندان‌گیری دارد.<sup>۲</sup>

#### ۳. توصیف و کاربرد مدل چیمز روزانا

به نظر می‌رسد مدل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی با روایت ویژه چیمز روزانا، از یک‌سو، منطبق به عرصه‌ای است که می‌توان به آن عنوان دقیق سیاست خارجی را داد، حال آنکه دربارۀ دوره قاجار و به‌ویژه عصر ناصر، کمابیش این نکته پذیرفتنی است که به دلایل گوناگون نمی‌توان از عنوان سیاست خارجی<sup>۳</sup> برای توصیف، تشریح و تبیین رفتارهای خارجی ایران بهره گرفت و تشریح دارد که از همان عنوان ساده و تئوریک‌شده، روابط خارجی<sup>۴</sup> بهره بگیریم. از دیگر سو، مدل روزانا که چه مدعای تبیین دارد ولی به دلیل پیچیدگی‌های بسیار زیادی که مطرح کرده مشحون از ویژگی‌های روشن است. به همین دلیل نگارنده مدل روزانا را از آن حالت پیچیدگی خارج ساخته و شکلی ساده به آن بخشیده است. به تعبیر دیگر چون پرسش اصلی پژوهش، مبتنی بر چرایی بوده و در همین حال روابط خارجی ایران شکل هندسیات و پرنالسم‌بیزانه نداشته است.

۱ این که سوزا حسین‌خان با روزنامه‌های بزرگی داشت، صحیح است. اما این آرزوها بیشتر شخصی بود و در تطابق با سیاست‌های قریب‌های بزرگ خارجی بود تا مطیع ایران اکثری.

۲ روابط موفق محدودش است. باورگی این پیش از آن چیزی است که گفته شده است و تحلیل مراد است. طبعی لازم را ندارد (انشر).



اجتماع با گذشت رفتارهای را از خود بروز می‌دهد که می‌تواند حاصل ریزگی‌های شخصی باشد ولی زیر فشار محدودیت‌زای رفتار جمعی به نوعی دیگر بروز می‌کند این منفر نیز به پنج بخش تقسیم شده است:

یک جایگاه فردی: پست و مقام و منصبی است که سیستم در اختیار یک فرد قرار می‌دهد. مکان و منزلت و مرتبت و مکالت و پایه و مقدار و رتبت و قدر و منزلت نیز گفته‌اند و همگی از ابزار عریضی است به معنی مستقر شدن و آرامش یافتن؛ می‌تواند شامل موارد زیر باشد: الف) تعیین محل دقیق مورثیت یک فرد در نظام اداری؛ ب) موقعیت فرد نسبت به مقام‌های بالاتر یا مقام‌های پایین‌تر؛ ج) تعیین مرتبت مرتبش و ایستادن افراد در نظام دیوانسالاری یا دقت روی مساعدت سلسله‌مراتبی و یا اینکه بر پیوندهای گش و واکنشی میان او و افراد هم‌رتبه، پایین‌تر، بالا تره، جایگاه و پایگاه به‌جز رسمی بودن به حیث مساعد اداری به میزان موفقیت فرد یا اعتماد دیگران به میزان توانایی فرد بستگی دارد در نظام لاجاری، پادشاه دارای پایگاه و جایگاه معطوف بوده ولی مستدراظم پایگاه و جایگاه انسانی داشت.

مو: اختیارات فردی: اختیار قدرت و ابتکار عملی است که شخص مقومدار بالاتر به پایین‌تر می‌دهد و با آنکه سیستم آن را بر اساس جایگاهی که فرد در ساخت سلسله‌مراتبی کسب کرده است در اختیار او قرار می‌دهد از دیگر سو اختیار یا پنج منبع و اساس به دیگران داده یا توفیق می‌شود: بر اساس و منبع قدرت قانونی، بر اساس و منبع قدرت مرجعیت، بر اساس و منبع قدرت تخصصی، بر اساس و منبع قدرت پاداش و تنبیه، بر اساس و منبع وجهه طرفدارانه، اختیار یا محجاز و سایر یودان به‌معنای آزاد بودن در انجام عملی اطلاقی شده و به‌نوعی نشان‌دهندهٔ ظلمه قدرت، تصرف و نورمان بوده است ولی در پیرویش ما به میزان اختیارات در ساخت دیوانسالارانه و میزان

اول: ساخت خانوادگی: عبارت از پدر، مادر، برادر، خواهر، نیاکان، رشد خانوادگی، اخلاقیات خانوادگی، مشاغل اداری و تحریرات امرای خود و اطعای خانوادگی است.

دوم: روحیات فردی: سیر و سلوک، اخلاقیات، رفتارها، گرایش‌ها، علائق، ارزش‌ها، مقبول‌ها، سفور‌ها و به‌طور کلی سوزت درونی و تلقی و نحوه برخورد با محیط، اطعاه شده است.

سوم: تعلیق طبقاتی: پایگاه کم‌وریش، مکان اجتماع، نوع فعالیت اقتصادی، مقدار درآمد، نوع و سطح آموزش رسمی، نوع و محل سکونتگاه، نوع فعالیت‌های تفریحی، عضویت در برخی محافل و انجمن‌های متعلق به افراد و گروه‌ها شمارش شده است.

چهارم: پیشینه تهرسی: عبارت از مشاغل پیش از دست‌پاکی به شغل اصلی، مسافرت‌ها، میزان تحصیلات، دانستن زبان خارجی، مدیریت‌ها و نوع تجربه‌ها می‌باشد.

پنجم: اخلاق سیاسی: عبارت از جهت‌گیری‌های عقیدتی، باوری، ارزشی، رفتاری، کناری، کرداری شخصی است به پندآمدهای سیاسی همچون رأی مشورت، پارلمان، وطن‌دوستی، یگانگی‌نرستی، یگانگی‌دوستی، کتاب، امرام دانشجو، افکار عمومی، دین، روحانیان، گروه‌های اجتماعی و گروه‌های زیر دست خارج از چارچوب اداری و بیشتر از منظر فردی، است.

۳-۴. مفهوم شیفتی - سازمانی نقش

اگر از فرد و صفات و ویژگی‌های شخصی یک انسان بگذریم، وارد عقول دیگری می‌شویم که در آن به حضور فرد در یک جمع اشاره می‌شود. یک فرد ممکن است به‌تنهایی و در خلوت خود نسبت به خویش جهان اسلام و سیاست به‌گونه‌ای خاصیت‌پندیشد و در عمل شخصی در حوزه خصوصی به هر نحو خواست عمل کند ولی هنگامی که به جمع، جامعه و

اجزای یک فرد از مجموع کل وظایف یک ساخت مسلم‌اتنی دیوانسالارانه محدود و نفوذ وظایف و اختیارات و تعامل با علم‌تفان، همپوشانی و نامپوشانی افلاقی می‌شود. اختیارات می‌تواند پراکنده/مجموع قابل کاهش/قابل افزایش باشد ولی هر کل باید معلوم شود که آیا اختیارات سه فرد/مصعب/دیوان/یا مسلم‌اتنی سازمانی منطبق است؟ یا آنکه باید اختیار را حق هدایت دیگران یا تأکید بر رابطه خردت/لوردهت/لوردهت بنامیم؟ یا آن را اجازه اقدام بنامیم؟ ایگه چرا آن اختیار قبول می‌شود یا نمی‌شود می‌توان به منابع اختیار اشاره کرد. مجوز (توانایی) فرد به پاداش دادن و ندادن و تشبه کردن و نکردن، ویژگی‌های شخصی (دانش و مهارت و شکل و پایگاه)، توارث (ویژگی‌های تربیتی از کودکی که ما را به برخی فرمانبری‌ها عادت می‌دهد مثل پلیس و معلم، فشار گروهی (گروه همگنان و تزییب و تحریک همدیگر به دستوردهی)، تزییب و تبلیغ (اگر از مستر دستورات همراهِ ما دلایل ضرورت پذیرش آنها) و یا می‌توان به تلفیقی از آن بسته کرد.

سه نفوذ فردی: ایجاد احساس شست در دیگران برای اطاعت و فرمان‌پذیری از فرد صادرکننده فرمان و یا همکاری صمیمانه با او است. شکلی از قدرت است که از کنترل و اجبار و زور و مداخله متضایر می‌شود. رابطه میان بازیگرانی است که به موجب آن، یک بازیگر، بازیگر یا بازیگران دیگر را وادار می‌کند به طریقی که خواست خود آنهاست رفتار و عمل کند. پول، غذای، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید از جمله وسایلی است که فرد به کمک آنها در رفتار دیگران نفوذ می‌کند. نفوذ کردن یعنی رساندن و در گذراندن از هر پیمایش و جزای شدن فرمان و تأمل و ساری شدن فرمان و روان شدن قضا و رساندن در بحث مسائل از چگونگی اجرای تصمیم مقام بالاتر به در ساخت دیوانسالار توسط پایین‌رنگان دارد و از حالت‌ها و ابزارهای آن سخن می‌گوید.

چهار منی فردی: روش و رفتار و راه رفتن و روش کار و مسیر کار و نحوه اجرای امری و نیز به‌تر می‌رفتن را گویند. به این معناست که مکانی که یک تصمیم اتخاذ شد، در سه حوزه اجزا/یکگیری/پاسد، مقدمات بالاتر به در ساخت دیوانسالارانه مسلم‌اتنی عمومی/القوی (با پایین‌رنگ‌ها و مورد نه‌ها) چگونگی رفتار می‌کنند در عین حال به‌میان به جدول‌های کنار خیابان چارچوبی را نشان می‌دهد که در آن تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مشخص می‌شود و هدف را نشان می‌دهد و زمینه‌چینی و راه انجام آن هدف را نیز روشن می‌کند یا دستور، مغزوت و از حیثه و گستردهای بیشتر بر خوردار است تا محوری اجازه اقدام‌های اجتماعی و آگامانه را داشته باشد. منی‌ها یا صریح‌اند یا ضمنی. دو صدور اعظم مورد پژوهش ما چگونگی منی اداری می‌نمودند و دستورات خود را در ساخت مسلم‌اتنی اداری دوره ناصری پیش می‌برده‌اند؟

پنج: مهارت فردی: مهارت را می‌توان تسلط و برتری بر ساخت سه‌گانه تصمیم اجراء پاسد و پیگیری دانست. مهارت، توانایی انجام کار به نحو ماهرانه است یعنی راهی که دیگران آن را به‌کار نبرده و یا دربارۀ آن اصلاً فکر نگرفته‌اند. به استادی و زیردستی و زیرکی و رسایی در پیاده‌سازی تصمیم‌ها با استفاده از کمترین هزینه‌ها و بیشترین منابع گفته می‌شود. نظام سیاسی/حقوقی و اداری/اجرائی دوره قاجاریه و به‌ویژه دوره ناصری را کمابیش نزدیک به نوع آرمانی نظام سلطنتی دانسته‌اند. نظام سلطنتی بر پایه حکومت شخصی استوار است اما انگیزه وفاداری به فرمانروا را نه ابتدائی‌لوی‌ای که در او تجسم یافت یا توسط او بیان می‌شود نه رسانش شخصی و منحصر به فرد و نه هیچ‌گونه ویژگی فرماندانه پدید نمی‌آورد بلکه آموزه‌های از ترمس و پادشاهی‌هاست که به همدستانش می‌دهد و وفاداری آنان را برمی‌سنگید. فرمانروا قدرتش را بدون منابع

با مسائل سیاست‌گذاری از قدرت خاصی برخوردارند. نخبگان ذی‌نفع که شامل نمایندگان بخش رسمی از گروه‌های مردمی می‌شود و نخبگان وسائل ارتباط جمعی که تأثیری مهم در شکل‌دهی به افکار عمومی دارند. نگارنده این متغیر را نیز به پنج قسمت بخش کرده است تا بهتر بتواند ساخت اداری و مقامات وکیل دوره ناصری را نشان دهد.

اول، مقامات سیاست‌گذار: سیاست‌گرانی که قابلیت سیاست‌سازی دارند و تعیین‌کنندگان خط‌مشی‌ها محسوب می‌شوند. او ثروتی است که در تعیین و نیز در طرح سیاست شرکت دارد و در اجرایی آن هم سهیم است. نومی را غیر وگذار و اسیران‌زیست است که از نماینده‌کنندگان تصمیم‌گیری یا محاران فکری Think Tanks برای جهت‌دهی کلی به سیاست‌ها بهره‌می‌گیرد.

دوم، مقامات مقنن: قانون‌برآزنده و قانون‌آور و قانون‌گذار و آیین‌گیر و برقرارکننده قانون را گویند که لامده و قانونی را رسم و معمول می‌کند و آیین می‌بندد. او کسی است که در چهارچوب سیاست کلی، فاعله پنهان می‌باشد و قانون را در چهارچوب سیاست‌گذاری عمومی همانان تعیین می‌کند. آنها تعیین‌کنندگان مکتوب ارائه سیاست‌گذاران و چهارچوب‌سازان هستند و خارج از نویسنده‌گی قانون عمومی در چهارچوب‌های کلی کاری ندارند.

سوم، مقامات مجری: مجری‌ان اواسر و مجری‌ان قانون‌گذاران هستند. کسانی‌اند که قوانین برگرفته از سیاست‌های کلی و مقام و مهم را در چهارچوب‌های تدوین‌شده اجرا می‌کنند. نخبگان صاحب صلاحیت در امر اجرا هستند و می‌توانند به تصمیم‌های مأخوذه قدرت اجرایی بدهند یا آن را معطل‌گذارند و از حیر اصطلاح بیاندازند.

چهارم، مقامات تفرودگذار: کسانی هستند که قادرند با ارضای و تهیه و تهیه و پاداشی و تطبیح، مانع اجرایی یک تصمیم، قانون، سیاست کلی و یا مشوق اجرایی یک تصمیم، قانون و یا سیاست کلی شوند. آنها کسانی

اصالح می‌کند به دلخواه خود و مهم‌تر از همه می‌آنکه قوانین یا هیچ‌گونه تبدیلی به یک ایدئولوژی یا نظامی ارزشی، مانع او شود. مختارهای آرام‌آور و روابط مدیریت، دائماً با تصمیم‌های شخصی خودسرانه و فرمایشی‌انگه احساسی نمی‌کند مجبور به توجه ایدئولوژیکی آنهاست. تصمیم می‌شوند. در نتیجه فساد در همه سطوح جامعه زایل است. کارکنان اداری چنین فرمایشی‌انگه را دستگامی با رده‌های سطحی مشخص مانند یک ارتش یا دستگاه اداری بوروکراتیک که بر پایه معیارهای کم‌ویش هم استخدام شده‌اند تشکیل نمی‌دهند بلکه عمدتاً از افرادی تشکیل می‌شوند که فرمانرواستغیبا انتخاب کرده است. در میان آنها ما اغلب اعضای خانواده او، دوستان، هم‌دستان یا افرادی را که مستغیبا در استفاده از خشونت برای حفظ نظام دخالت دارند می‌بینیم. موفقیت آنها از اطلاعات صرفاً شخصی از فرمانروا ناشی می‌شود و موفقیت اقتدارشان در جامعه صرفاً از این رابطه سرچشمه می‌گیرد. فرمانروا و هم‌دستانش نباید هیچ طبقه یا منابع گروهی بیستند.<sup>۱۱</sup>

#### ۴-۳. مقیم اداری - ساختاری دیوانسالاری

در تصمیم‌گیری به‌جز دخالت فردی و شخصی یک انسان که واجد ویژگی‌های گوناگون روانی/ رفتاری است و صرف‌نظر از موفقیت و مقام و جایگاه و اختیاری که آن فرد در یک ساختار اداری/ سازمانی دارد، خود ساخت و پیگیر دیوانسالاری نیز به لحاظ داشتن فنون و تکنیک‌های تصمیم‌گیری و مقامات مهم و مؤثر، نقش بسیار مهمی در فرایند احاد تصمیم دارد. این مقامات در هر صده روابط خارجی یا سیاست‌خارجی می‌توانند از این قرار باشند: نخبگان سیاسی شامل رهبران مستغی، رهبران مستغی، رهبران احزاب، نخبگان اداری و دیوانسالاران شامل اصغای تخصصی دستگاه مجریه که به‌لحاظ علاقه و اشتیاق و ارتباط مستقیم خود

هستند که در ساخت سیستم‌های قدرت شاید منعیب و مقام و مقام بهی نباشند و شاید قدرت برای اعمال نداشته باشند ولى نفوذگرى مى‌کند.

پنجم مقامات نجیب: گمانى هستد که به دليل کيفيت‌هاى بالفعل ادماى با مفروض خویش، از نظر تشخص و تمایز، واجد موقعیت یا موقعیت‌هاى برتر در باطن جامعه یا گروه هستند. در ساخت دیورسالاترى، گمانى هستد که باطن مقام‌اند (بر خلاف نفوذگران که شاید مقام و منصب هم داشته باشند) ولى مقابلهت ادارى به اعمال و گفتمان آنها در راستای تدوین و تدویم و امتیاج یک تصمیم‌گزاران یا سیاست‌نگاه مى‌کنند و گاهى تشویق و گاهى منع مى‌شوند. ولى اثر بحث و بررسی درباره دوره باصرى از حيث سازمان ادارى باید وقت کرد که تمامی امور ولایات ایران در چنگ شاهزادگان و خانواده‌هاى قاجار بود و هر کدام از آن شاهزادگان، فرزندان و اقوام نزدیک خود را به حکومت ولایات کوچک‌تر و حى دهمت و قعبات مى‌فرستادند و نوعى ساخت فابیل‌گرانى محض را حاکم کرده بودند. گرچه این ساخت فابیل‌گرانى از پژوهشى متعدده و علمانه درباره تفکیک‌ها و تمایزهاى عمودى و افقى در ساخت دیورسالاتریه دوره باصرى مسامت مى‌کند. ولى بدون آن هم در میان نوعى از دامنه گنج و فراوش مى‌شود.

#### ۴-۴-۲. مفییر فابلی - طلی جامعه

ضمیم، صرف‌نظر از آنکه چه فردی، یا کدام ویژگی‌هاى رفتارى، یا کدام مقام و منصب و انجسارات ادارى و در چه جایگاه و پایگاهی از ساخت سیستم‌هاى نظام ادارى و در چه شکل و کیفیتى از دیورسالاترى آن را اصلاح مى‌کند، به‌عنوان یک عمل و یا فرایند، غالباً تحت تأثیر عوامل جمعی و چنماى قرار مى‌گیرد. فرد در دستگاه و دستگاه ادارى هیچ‌کدام نسى نباشند از جامعه خود و ویژگی‌هاى آن مستا باشند. فرد و دستگاه ادارى یک کشور

هم بر گرفته از فضای عمومى کشور است و هم بر آن تأثیر مى‌گذارد ولى به‌شدت از آن تأثیر مى‌پذیرد. تصمیم‌گیری در عرصه روابط خارجه، یا سیاست خارجه، نیز پدیده‌اى محورا و جداگانه نیست و عمدتاً تحت تأثیر فضای فکرى - فرهنگى موجود در جامعه قرار مى‌گیرد و از آن راه برنورزشى نسى‌پذند. مفییر چهارم مدل چیمز روزانا یا توجه به برداشت‌هاى شمهوى نگارنده به پنج قسمت تقسیم شده و در این پژوهش به‌کار رفته است.

اول، فرهنگ سیاسى: احساسات، تلقى‌ها، باورها، آرمان‌ها، هنجارها، ارزش‌هاى فرهنگى یک جامعه را نسبت به پدیده‌هاى سیاسى گویند و در عین حال ویژگی‌هاى فرهنگى یک نظام سیاسى را نیز فرهنگ سیاسى مى‌نامند که هم بر آمده از جامعه است و هم بر قواعد فکرى و رفتارى جامعه تأثیر مى‌گذارد. از دیگر سو، فرهنگ سیاسى به سطح دانش و ادراک طبقات گوناگون و اقتدار انحصارى و انفراد از مقوله قدرت و سیاست اطلاق مى‌شود. جنبه‌هاى ویژه‌اى از فرهنگ عمومى جامعه است که با چگونگی برخورد با سیاست، قدرت، اقتدار، آزادی، عدالت، دولت، حکومت یا نظام سیاسى و اینکه چه وظایفى را باید انجام دهند، ارتباط دارد. امکان دارد مردم یک جامعه از سطح فرهنگى بسیار پالاهى در برخورد با مقوله‌هاى سیاسى برخوردار باشند و بر حسب سلسله‌اى متنازل از درجه‌ها امکان دارد کیفیت‌هاى دیگری بروز کند. نظام سیاسى یک کشور نیز امکان دارد حالت‌هاى گوناگونى را از استبداد تا مردم‌گرایی به خود بگیرد. به هر روى، در فرهنگ سیاسى طبلى از ارزش‌هاى گوناگون و برداشت‌هاى مختلف و متضاد بروز مى‌یابند. در ایران دوره باصرى به‌هرحال نوعى از فرهنگ سیاسى وجود داشته که تأثیرى مهم ولى در عین حال ناخوبان بر عرصه تصمیم‌گیری مى‌گذاشته است. روحیاتى همانند جمیع‌گرایی، احساس دلبنگی و همبستگی، پشتکار، تضییع اهتمام،

عمومی به دو دسته تقسیم می‌شود. الف) توده مردم: باسجام و یواکامه و متکثر با تأثیر بسیار زیاد بر محیط تصمیم‌گیری در سیاست داخلی و ملی یا تأثیر کم ولی ناآزیده ناآگاهانه در عرصه سیاست خارجی؛ ب) نخبگان فکری: کم‌دانش منجمد و مجتمع و متکثر با تأثیر بسیار زیاد بر محیط تصمیم‌گیری در سیاست داخلی و در عین حال با تأثیر سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده در سیاست خارجی. گرچه نخبگان نیز باید به‌طور صوری منظور نموده مردم باشند و گرنه قادر به پیش بردن کاری نخواهند بود.

سوم: ابزارهای موروثی در فهم هویت خودی یا سنت؛ سیاست خودی جارت است از پاسخ دادن به پرسش‌هایی از قبیل من کیستم؟ وطن چیست؟ ارتباط من و دیگری چگونه است؟ جهان چیست؟ دین چیست؟ چرا می‌خواهم ترقی کنم؟ توسعه چیست؟ سیاست چیست؟ اقتصاد چیست؟ چرا من عقب‌مانده‌ام؟ و پرسش‌هایی از این دست که همگی نشان‌گر آن است که هر فردی می‌خواهد در مجموع به این پرسش جواب دهد که: خود را چگونه و با کدام معیار و در تعامل با چه چیزی شناختم؟ درحقیقت در پاسخ به این پرسش است که هر فرد باید دو چیز را تعیین کند: چه چیزهایی را نمی‌خواهد؟ یا ملامت‌ها چه چیزهایی را می‌خواهد؟ یا مقبول‌ها.

چهارم: ابزارهای موروثی در فهم هویت تجدد یا ادیگرایی و مدرنیته؛ شناخت دیگری عبارات است از پاسخ دادن به پرسش‌هایی از قبیل نسبت میان من و دیگری چیست؟ نسبت ما ایرانیان با غربی‌ها یا نورنگی‌ها چیست؟ چرا فریبگان مرفقی و متکامل و متمدن شده‌اند؟ مدرن یعنی چه؟ مدرن‌ها چه کسانی هستند؟ چرا مقول من و دیگری باید آمده است؟ نسبت میان مدرن - مرفقی چیست؟ انگلیز و لاندن و بریتانی یعنی چه؟ دمای دیگر از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ و پرسش‌هایی از این

شکرتالی عقلی و فلسفی و فرهنگی و با فقدان دلبستگی و همبستگی، تن‌پروردی و تنفر و گریز از کار و جدیت، بی‌توجهی به قیود و مقدرات اجتماعی و وظایف ملی و رعیت و فلسفی و فرهنگی، به‌عنوان افکار و روحیات و عواطف مساعد و نامساعد برای توسعه می‌تواند فرهنگ سیاسی یک جامعه را زیر ضربه شلاق تأثیرات خود بگیرد و در عین حال می‌تواند شکلی ویژه از فرهنگ سیاسی را بروز دهد. دوم: افکار عمومی: مجموعه افکار یک جامعه در سوره یک منطقه یا مسائل مختلف را گویند که می‌تواند در رفتارهای فردی، اجتماعی، دولتی و سیاسی تأثیر گذارد آن را و جهان جامعه نیز تأیید کند. از دیگر سو می‌تواند مجموعه آرا و عقاید اظهارشده و نشده را که در نهایت شکل کنی و با جهت خاصی می‌باید و با اقتضات یک جامعه خودآگاه را پس از بعضی همسویی و بعضی درباره یک مسئله مهم و قابل توجه افکار عمومی قلمداد کرد. افکار عمومی در صورتی که وجود داشته و ششم باشد می‌تواند بر شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری در عرصه روابط خارجی یا سیاست خارجی تأثیر بگذارد از این جهت نظرات و برداشت‌هایی الهام‌بخش یک کشور، جامعه یا گروه در سوره اقدامات و مسائل داخلی یا خارجی را افکار عمومی می‌گویند. افکار عمومی نسبت به محرک‌هایی تحت کنترل یا مستقل در یک محیط اجتماعی و سیاسی، واکنش‌هایی مختلفی نشان می‌دهد.

افکار عمومی به‌ویژه خود ممکن است با دادن راهمورد به تصمیم‌گیرندگان یا با تأثیر گذاردن و نظارت در اعمال آنها بر محیط اجتماعی اثر قابل ملاحظه‌ای بگذارد. افکار عمومی در ارتباط با امور بین‌المللی عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای است زیرا هم می‌تواند حمایت داخلی از سیاست‌های خارجی را تأمین کند و هم می‌تواند تلاش‌هایی را که برای تأثیر گذاردن بر سایر کشورها صورت می‌گیرد تقویت کند. افکار

است. مدرنیزاسیون و مدرنیته دوری سکه غرب جدید هستند که هم بر پایه فرایندهای انباشت مادی و ملموس و هم معنایی و ناملموس شکل گرفته‌اند. فهم دنیای سکولار، غربی کردن امور قدسی، تاسیو‌تالیسم، تعریف جدید از عقل، مفهوم ترفیض، فردگرایی، علم‌پناوری، برابری و برابری استقلالی، گفتمانی‌اندیشی که همه هستی و گیاه غرب مدرن محسوب می‌شود در گرو شناخت مقوله لگیک و فراتگیک است اما باید دقت کرد که نمی‌توان آنها را از فراتگیک‌های مدرنیته تفکیک کرد. بنابراین فهم جداگانه از دو مقوله مدرن، منجم به گسستگی شناخت غرب و اشتقاق و انکسار در شناخت دوره مدرن می‌شود. ناگفته نماند که ما شرقیان کم و بیش می‌توانیم درباره غرب فهم غیبی و نه فهم درایتی پیدا کنیم در همین دیدن لگیک‌های غربی و حتی بهره‌وری از آن ممکن؛ اما در فرایند، فهم فراتگیک‌های مدرن ناممکن است.

شرقیان به‌طور عام و ایرانیان به‌طور خاص به دلیل‌های تاریخی نتوانسته‌اند از غرب گریزان شوند. به‌ناچار باید غرب را می‌شناسند و در برابر آن موضع می‌گیرند. از آنجا که شرق عبارت از غرب نبوده بنابراین شرقیان با آن به‌مثابه یکی عامل نیز نمی‌توانند برخورد کرده و در برابر آن با هم از سر بیخاری سه گونه موضع گرفته‌اند: یا به شیوه‌ای غرب‌پوارانه به خود پذیرش می‌فروشند و شرط می‌چوبان‌چوبی وضع دیگری پرداخته و به‌تواری خود را در برابر او خود را پنداشته و در همان از همسر خواسته‌اند. این گرایش درست‌پندارانه، نظارتی میان لگیک و فراتگیک قابل مشاهده است؛ امروزه با درستی‌پندارانه، نظارتی و فراتگیک را در حال فروتنی و اوج‌حال انضمامال یافته بوده که چنین وضعیتی بر پایه مقبولیتها و محبوسیت دیگری و مردودیت و مغزوریت خودی شکل یافته است. گروهی دیگر غرب‌پندارانه تنها به لگیک گرایش یافته و معتقد شده‌اند که می‌توان ایران را بدون محتوا گرفت و به‌کار برد. این

دست که همگی نشانگر آن است که هر فردی می‌خواهد در مجموع به این پرسش جواب دهد که دیگری را چگونه و با کدام معیار و در تقاضای یا چه چیزی مورد شناسایی قرار داده‌ام. در حقیقت در پاسخ به این پرسش است که هر فرد باید دو چیز را تعیین کند: چه چیزهایی را نمی‌خواهد؟ یا مغزورها و ملموس‌ها، چه چیزهایی را می‌خواهد؟ یا محبوس‌ها و مقبولیتها. فهم مقوله غرب نزد ما شرقیان به همان اندازه دچار کاستی و کوری است که شناخت مقوله شرق نزد غربیان. در میان شرقیان، ایرانیان به دلیل‌هایی چند که برخی ریشه در تاریخ دارند و برخی ریشه و دنباله خود را تا روزگار ایران استوارده‌ای و افسانه‌های کشانده‌اند، فهم غرب و با غرب‌شناسی دچار کاستی‌هایی شده که بیرون رفتن از قاره سیرگسستگی و کم‌گسستگی آن‌ها نمی‌تواند طاققت‌پرسا و بیش از آن ناممکن شده است. چنین بوده که ایرانی در برابر مقوله غرب موضع‌گیری‌هایی چند داشته اما همگی به یک جهت: ساختگی در نظر می‌آیند. در واقع آنچه اتفاق افتاده آن است که ما به غرب را شناخته و نه درک کرده‌ایم بلکه فقط با آن رویه‌رو شده‌ایم. همگی اعتراض و گهی تحقیر حاصل کرده‌ایم بدون آنکه بدانیم از چه چیزی روی کرده‌ایم. و به چه چیزی علاقه‌مند شده‌ایم. به‌دلیل وجود فهم و شناخت ناقصی که آن را غرب‌شناسی وارونه می‌توان نام نهاد ایرانیان قابل به دو جهت برای غرب شده‌اند: یکی وجه ملموس، ملموس و قابل اندازه‌گیری غرب که به آن نوسازی و مدرنیزاسیون گفته و از دوران آن زیر مقوله‌هایی با نام شبه‌پیشینی، صنعتی شدن، رسانه‌های همگانی، افزودن سطح تولید و مصرف کالا و به‌طور خلاصه وجود مادی تحول بیرون تراوییده است؛ و دیگری وجه ناملموس، کلی و محتوایی غرب که به آن نوسازی و مدرنیته گفته و از دوران آن زیر مقوله‌هایی با عنوان انسان‌پناوری، پناور به جهان همسان‌شده، پناور به ایده ترقی و غرب‌پناوری بیرون افکننده شده

بسه سمت و سوی نقد و سنجش‌گیری جهت و سمت و سوی سنجش در پاسخ به پرسش چه چیزی نقد می‌شود؟ قرار می‌گیرد و منظور از آن این است که بدانیم چه محتوا، ابزار و پدیده‌های مورد شهادت و انتقاد قرار می‌گیرد. این مقوله به معنای نمونه‌پذیری نشی، معیار مورد پرورش و تحذیر یا تبادلی تلقی می‌شود و ممکن است در هر دو پیکره بزرگ ندی یعنی تمدن شرقی و غربی وجود داشته باشد.

ج - ابزار تحول: این مقوله در پاسخ به پرسش چه ابزار و وسیله‌ای باعث تحول و تکامل می‌شود؟ قرار می‌گیرد و منظور از آن این است که بدانیم با پدید آمدن چه ابزار یا محتوا می‌شود توان از نظر به تعیین، از اندوه به خاطره و از ملال به شغف وصول یافت. پرسش فوق بر بنیاد این پیش‌فرض است که وضعیت دیگری که ممکن‌الوجود محسوب می‌شود نسبت به مولفیت پیشین، مقبول و محبوب قلمداد می‌شود به‌این‌این باید فهم کرد که کدام عامل و ابزار باعث فرگشت از یک وضعیت پیشینی مقبول به یک وضعیت پسینی محبوب می‌گردد.

د- شیوه تحول: این مقوله در پاسخ به پرسش چگونه تحول پدید می‌آید؟ قرار می‌گیرد و منظور از آن این است که بدانیم شیوه و نحوه وصول از نظر به تحسین، ال‌اندوه‌های و ملال‌انگیزی به خاطر‌انگیزی و شغف‌انگیزی کدام است. پرسش فوق نیز بر بنیاد مفروضاتی است که به یک وضعیت یا مقبول و وضعیت دیگری را مقبول تلقی می‌کند اما دنبال آن است که چگونگی فرگشت را بیابد.

ه - پذیرفتنی‌ها: این مقوله در پاسخ به پرسش چه چیزی مورد علاقه است و به آن تنویق می‌شود قرار می‌گیرد و منظور از آن جستجو برای یافتن ابزارها و محتواهای است که در درون تمدن دیگری و خودی محبوب و شادان‌ترین محسوب می‌شوند.

گروه در برابر مقوله تکلیک به حیرت و غافلیدن بنا هیچ دست نکرند که مقوله نوسازی از نوآندیشی منک نیست. این گروه بر اثر ناآهوشی و پادفوشی مدخلیت تأثیر و تأثر اندیشه و عمل را بر همدیگر پذیرفته و معتقد بوده‌اند که می‌توان با پذیرش تکلیک، خود را با دیگری همسان کرد. اما گروه دیگری نیز بودند که الفنون غرب را به عینه می‌دیدند اما هر چیز تازه را معصوم نمی‌پنداشتند زیرا در دنیای خودی مقوله‌های مستحسن و فراموش‌باشندگی و در دنیای دیگری نیز پدیده‌های نیکو و ارزشمندی می‌یافتند و قادر نبودند از هیچ کدام بگذرند. این گروه تکلیک را به‌هم‌چسب کار آمدی و کارایی پذیرفتی می‌دانستند ولی تسلیم نمی‌شدند و شرط را قبی می‌کردند و معتقد بودند که فراتکلیک‌های مدرن را باید مستقانه و از باب کمک و دردمان پذیرفت. ولی هم تکلیک و هم فراتکلیک‌های دوران مدرن تنها به‌شرطی پذیرفتی است که بر پایه فرعی، معتقدات و نودان‌های خودی باشند، زیرا می‌توان پدیده‌های را از بین‌های مقوله دیگری پذیرفت موط به آنکه با محتویات مقوله خودی آمیخته شود. این گروه مدرن‌سازی را مقبول، مدرن‌گرایی را نامقبول و مدرن‌پنداری را هم‌راد با تنقید و تاملیف و تطبیق و ترکیب و انتخاب پذیرفتی دانستند. در پیوند با شناخت غرب و تجدید و مدرنیته و دیگری، ما ایرانیان از آغاز دوره قاجاریه تاکنون در شش مقوله به همسته نعلی کرده و جواب‌های گوناگونی یافته‌ایم:

الف- مقوله انگری چیزی: این مقوله که می‌توان به آن نام سرمنش غالب را نیز داد در پاسخ به پرسش چه چیزی خواسته می‌شود؟ قرار می‌گیرد و منظور از آن این است که بدانیم چه محتوا، ابزار و پدیده‌ای پذیرفتی و دنبال کردی. محسوب می‌شود سرمنش سلوک و نمونه‌اعلامی قول و فعل کدام است؟ مقوله انگری چیزی عبارت از نمونه پذیرفتی معیار نشی و پادبی است.

صرف تکنیک و ابزار فراتر رفته‌اند و لایحه‌ها در بند تکنیک‌های محتوایی درآمده‌اند و از درون‌مایه و بن‌مایه این تکنیک‌های سیاسی-حقوقی غافل مانده‌اند.

### ج - فهم مفهومی از مقوله تجده

این گروه این برده‌اند که یکی انسان جدید و یکی همین تو باهت و بی‌باغ و تحول تکنیک‌ها و بست تکنیک‌های غرب مدرن شده است. اصل ترفی ایشان را در این تمدنی دانستند و دو نوع کارخانه و پرورپ دیدند یکی اجسام فلزی می‌سازد و دیگری انسان، یکی در یک‌سوی آن چشم می‌ریزد و از سوی دیگر مساهرت برمی‌دارند و در دیگری، از یک‌سوی انتقال بی‌شعور می‌ریزند و از سمت دیگر مهندسی و حکمای کامل بیرون می‌آورند. ملکم جان گفته بود: اوزرای ما باید مسلماً بدانند که بدون اعتدال اصول مسالمت‌داری فریاد نه تنها مثل فریاد لشکر نخواستیم داشت بلکه مسال خواهد بود که بتوانیم مثل فریاد امیر داشته باشیم. این ترفی در همه جا بالاتفاق حرکت می‌کند. این گروه افراد که نمایندگان بسیار اندک بود، نتیجه شدند که غرب نه تکنیک است نه فراتکنیک، بلکه در پس پرده معانی هست از نوع انسان جدید و ذهن تازه و پاره کردن قدیم‌ها و گنجانده‌ها که فهم و کارست آن بسیار مشکل است.

### ج - فهم مفهومی با مدرن از مقوله مدرن

چنین فهمی در ایران اصلاً پدیدار نشد، چون تنها خود غربیان و مغرب‌ها هستند که می‌توانند بدون افکاشی مغرب‌ها و اشتقاق ابزارها غرب را بشناسند. پیشرفته‌ترین نوع فهم، فهم مفهومی بود که آن هم در نوصیه‌هایش و کاربردش از مقوله فراتکنیک بالاتر ترفت.

پسج اندیشه‌ها و تحولات اقتصادی و درآمدهای مالی، در دوره ناصرالدین شاهی باید دید چه اندیشه‌های حاکم بر تگرش‌های اقتصادی و

و - تاها بر ترفی‌ها، مقوله فوق در پاسخ به پرسش چه چیزی مورد تفرت است و توصیه به اجتناب از آن می‌شود، قرار می‌گیرد و منظور از آن جستجو برای یافتن ابزارها و محتواهایی است که در درون تمدن دیگری و خودی مغرب و ملال‌آورین محسوب می‌شوند. حال برای شناخت نوعی چگونگی و کیفیت فهم ایرانیان از غرب، مدرنیته و تجده از آغاز دوران قاجاری تا اواسط دوره ناصرالدین شاهی (با این پیش‌فرض مهم و اساسی که از یک‌سوی روابط خارج می‌شوند با غربیان قرار می‌گرفتند و از دیگر سوی، نجسگان تصمیم‌گیر دوره قاجاری، غرب را دیده بودند و نسبت به آن موضع داشتند و همین مواضع آنان در شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری‌شان بسیار مؤثر واقع می‌شد) نگارنده چهار نوع شناخت و تکنیک فهم را اجزاء و بیان کرده است:

### الف - فهم تکنیکال با ابزاری از مقوله مدرن و تجده

مقصود از تکنیک، مهارت است که آدمیان با بهره‌گیری از آن نیروهای طبیعت را تحت سیطره خود درمی‌آورند و بر میزبان دانش خویش می‌افزایند و بهادها و تشکیلاتی برپا می‌سازند. فهم و برداشت تکنیکال از غرب آن بود که تنها به ابزارها و تکنیک‌ها و وسیله‌ها وقت کردند و راه‌های و کتبی و اسفانه بودند راه‌ها و اتوبیل و پارک و تاکس را دیدند و فکر کردند که ما هم اگر راه‌های بیاریم مترقی خواهیم شد و محتوای مبسر در آن تکنیک را نمی‌دیدند و تنها خود تکنیک را دیده و فقط آن را چهارسار قلمداد می‌کردند.

### ب - فهم فراتکنیکال با ابزارهای از مقوله مدرن و تجده

مقصود از آن چنان بود که غربیان چون پارلمان دارند و قانون دارند و مشورت می‌کنند و رأی می‌دهند مترقی شده‌اند و توصیه به ایرانیان چنین مشورت قانون بیارند و مجلس مشورت‌خانه برپا سازند، گرچه از



را تعیین می‌کند و ضمن شناسایی وضعیت دیگران موقعیت خود را تغییر می‌دهد. نظام و محیط بین‌المللی به‌طوری منطقی بر قواعد رفتاری یک کشور در عرصه روابط خارجی با سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد. هر سیستم یا نظامی صادرات از ترکیب و تسهیق ادبیات‌ها و نظریه‌ها و شیوه‌هایی است که به هم‌دیگر پیوسته و ترکیب امروزی آن طوری با هم هماهنگ شده که یک کل را پدید آورده‌اند. نظام بین‌المللی محیطی است که در آن واحدهای سیاسی بین‌الملل عمل می‌کنند. به‌طوری‌که رفتارها و جهت‌گیری‌ها و خواسته‌های واحدهای مبرور از نظام بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد. در پژوهش ما متغیر نظام بین‌المللی به پنج بخش تقسیم شده است که هر کدام ویژگی‌های خود را دارند:

اول- محیط مجاور: ویژگی‌های کنتررداری، روابط خارجی، مؤثر بودن یا نبودن بر روابط خارجی ایران، مستقل یا وابسته بودن جامعه در مقابل مسایلی که ایران در دو مقطع ۱۹۸۸ تا ۱۹۵۱ و ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۱ و با توجه به کشورهای خصمانه / روسیه / افغانستان / هند و منطقه خلیج فارس، بررسی می‌شود برای تشخیص اینکه آیا بر قواعد رفتاری ایرانیان در عرصه روابط خارجی مؤثر بوده‌اند؟

دوم- محیط منطقه‌ای: یکی از ویژگی‌های هر سیستم، مرزبندی‌های سیستمی است و به همین دلیل متغیرهای درونی هر سیستم در تعامل با هم‌دیگر قرار می‌گیرند. می‌توانیم بحث منطقه‌ای را بر اساس رقابت انگلستان و روسیه در منطقه طراحی کنیم و آن را از قالب محیط موانع فزاینده تصمیم‌گیری به سیستم یک نظریه کلان است ولی می‌توانیم در قالب سیستم، منطقه را خلق و ایجاد کنیم از دیگر سو، چون در آن دوره جنگ سرد وجود نداشته و مسئله موانع فضا مطرح بوده است پس می‌توانیم محیط منطقه‌ای را به نقشه رقابت روس و انگلیس تبدیل کنیم. آیا این منطقه، ویژگی تحت‌الحمایگی،

مافی و پرفی بوده و در سطح جهان اقتصاد از سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۷۳ میلادی چگونه سر می‌کرده است؟ اقتصاد ایران از حدود دوست سال گذشته اقتصادی بسیار و گاه به‌شدت بیمار بوده است. در سال‌های آغازین قرن نوزده شاهرگ حیاتی اقتصاد کشور به صدور طلا و نقره وابسته بوده و چند صباحی نگذاشته بود که بسیاری کرم ابریشم در گیلان به سقوط صادرات ابریشم و پنبه منجر می‌شود. تریاک‌کاری و سپس تولید قالی به‌صورت غیرمحتج اقتصاد ایران را به فلاکت انداخت، صنایع دستی و کارگاهی از بین رفتند و تولید از کنار آباد و ثروتمندترین افراد کسانی بودند که الفجارشان برود و تجارت با کالاهای مصرفی بود. مایات چیزی جز اجحاف بود و هیچ کاری بدون رشوه صورت نمی‌پذیرفت و رسم پیشکش و اجحاف‌ها و ظلم و ستم بیش از حد، اقتصاد ایران را کاملاً از کار و نفس‌انداخته بود و عصر امتیازات هم که رسید و کاسه‌پایی آغاز شد، ولی باید دید چگونه برخی وقایع و اوضاع اقتصادی بسیار اسفندگیز مانند قحطی و طاعون و وبا و سی‌بوری و نداشتن سرمایه و کارخانه و راه موحث می‌شد در روابط خارجی ایران برخی تصمیم‌های خاص گرفته شود. اندیشه استقلال اقتصادی و با تدبیر ترقی چگونه توانسته بود از عالم سیاست داخلی، خود را به عرصه خارجی و مناسبات فرامرزی بکشد و شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری را تغییر دهد؟

#### ۴.۲. متغیر محیط بین‌المللی

کدام نمی‌توان کرد که عرصه روابط خارجی و سیاست خارجی هر کشوری به دلیل رد داشتن محیط و نظام بین‌المللی که در آن انواع و اقسام سیاست‌های خارجی حضور دارند شبیه به وضع یک انسان نالیسا و یا گمین و صاحب دید با تبعاع بسیار کم است که با چراغ‌قوه‌ای ضعیف در یک وضعیت خروفاک، مانع‌آه و کورمال‌کورمال موقعیت خود

و - بنابراین وضع استراتژیک هند، وضع مهمی برای ایران - افغانستان - خلیج فارس، و وضع توسعه‌طلبانه در آسیای مرکزی پدیدار شده بود. چهارم، استراتژی محیط بین‌المللی: نظر و دیدگاه ثابت و خامی را در برابر یک واقعیت، وضعیت یا مورد، استراتژی نامیم، تبادل به عمل کردن در راستای موضوعها و در وضعیت‌های وابسته به هم به‌صورت ثابت و مشخصی را استراتژی گوئیم. نظام بین‌المللی از عنصر پیش از دست‌آوردنا شروع کرده و به دست‌آوردنا ختم شد و سپس شکل‌های دیگر بروز یافت. ولی از سال‌های ۱۸۱۷ تا ۱۸۷۲ هم نظام بین‌المللی به‌صورت مجتمع و هم‌کشورهای مهم اروپایی به‌صورت متفرک یک استراتژی مهم به نام توازن قوا و سه استراتژی به نام‌های گسترش تدریجی و رشد‌یافته و تصمیم‌پذیرانه ارزش‌های اروپایی، جهانی شدن اقتصاد سرمایه‌دارانه و احصاء مناطق نفوذ برای منع خصومت و درگیری را در پیش گرفتند. موازنه قوا یعنی آنکه عده‌کثیری از ملل را که میزان قدرتشان با یکدیگر شرف دارد در نظر می‌گیریم که هر کدام از آنها سخت می‌کوشند قدرت خود را به بالا برین حد ممکن برسانند و در نتیجه تلاش و کوششی برای ایجاد نظام کامل موازنه صورت می‌پذیرد؛ به این معنی که ملل مختلف با یکدیگر متحد می‌شوند به‌طوری‌که هیچ ملتی به‌تنهایی یا گروهی از ملل به‌طور دوستانه-جمعی به آن تلاش و قوی نشوند که بتوانند سایرین را بی‌نقد برای حفظ موازنه قوا نشانی راه را مشخص کرده‌اند، که ملل برای حفظ موازنه باید به آن عمل کنند تا اگر سنگینی قدرت یکی از دو کفه بر کفه دیگری چیرید، آن دیگری یا بر قدرت خود بنا نوازند یا آنکه تلاش بر کاهش قدرت رقیبی خویش را پیشینه خود کند که عبارتند از: مسلح شدن، تصرف راضی به عنوان جبران قدرت، ایجاد مناطق حائل، مذاکره در کارهای داخلی، ایجاد تعرف میان متحدان و غلبه بر آنان.

حوزه نفوذ مستقیم یا اطرف‌های داشته است؟ در این منطقه دولت‌ها بدون انضمام خاک کشور کوچک نفوذ خامی در آنها اعمال می‌کنند و یا نفوذ اقتصادی به‌دست می‌آورند و یا کشورهای حائل<sup>۱</sup> پدید می‌آورند که ویژگی اصلی‌شان عبارت از ضعف بودن آنهاست و در مورد کشورهای نیرومند قوت را می‌گیرند و به مناطق ابتدی این کشورها سده می‌رسانند. وجود کشورهای حائل یا سپر تنها به آن دلیل است که همسایگان نیرومند می‌خواهند، همسایگان یک منطقه مانع موجود باشند. ایران برای روسیه و انگلستان در سال ۱۸۵۸ با شدت کمتر و در ۱۸۷۰ به بعد با شدت بیشتر نقش یک منطقه نفوذ به شکل حائل و سپر را بازی کرده است.

سوم، محیط فراسطیفی: پویایی روند نظام بین‌الملل برگرفته از نوع تعاملات بین‌المللی مبتنی بر موازنه قوا بوده است. ولی در دل موازنه قوا پویایی‌ها و روندهایی هم حاکم بوده که یکی از مهم‌ترین آنها اصل بسیاری بزرگ بوده است:

الف - برای انگلستان، هند مهم بوده است.

ب - برای روسیه، آسیای گرم و تهدید تسلط انگلستان بر هند، مهم بوده است.

ج - هم برای روسیه و هم برای انگلستان، ایران و افغانستان حالت و اهمیت راهبردی - کاتالی داشته‌اند.

د - بنابراین خلیج فارس از یک‌سود و آسیای مرکزی از دیگر سود مستمکی برای کاهش امنیت و ترساندن هر دو طرف محسوب می‌شده است. ه - بنابراین یک بازی بزرگ در فراسطیف هر دو کشور اتفاق می‌افتاده است و ایران نیز به‌شدت از آن تأثیر می‌پذیرفته زیرا یک No Man's land محسوب می‌شده که حتی به خودش هم تعلق نداشته است.

آن بلاشک منظمتر از فواید آن خواهد بود که تا آنکه به واسطه فوجیات خمود در سفر هند تحصیل نمود پس از مراجعت جمیع خیالات باطل و کل ظلمات هائی که به تغییر خواهد یافت و آن تشخیص که تا به حال پس آنکه مطلق بشود مانع ترقی بوده اند و گاهی هم عمداً امورآ تمدن را خلاف شریعت محصلی شمرده اند پیش از همه کسی نفوی مقورات عالی خواهد بود علاوه بر هر نوع فواید دیگر، مرادفات شخصی اعلی حضرت با سلاطین فرنگ میان ایران و سایر دول ارتباط و مصالح تازه به میان خواهد آورد دولت ایران آن وقت تازه داخل سلک دول متدنه خواهد بود. خلاصه امروز سرمایه امید ایران این سفر فرنگستان است و یقیناً این سفر را می توان مشتأ هراز نتایج بزرگ بلکه اسباب نجات این ملک برار داد. کمال بدبینی خواهد بود هر گاه این وسیله بزرگ را از دست بدهیم و آن نتایج عالی که منظور است حاصل نشانیم بر هر دلیلی بلکه هر رغبی که فی الجمله غیرت ملی داشته باشند واجب است که در وقت این سفر راه به هر وسیله ای که خواهد توفیق نماید.<sup>۱۰۱</sup>

مکرر در قفره اصلاحات امور دولت گفتگوها شده است و کتابچه ها از ملکم و غیره خوانده شده است و وزراء و توکرهای خودشان در پیش خود و محاللی همین حرفها را زده و می زنند لیکن نتیجه که باید معلوم شود چیزی به عرض برسد یا نکرده که مایه اصلاح و صلاح دولت باشد از وزراء و توکرها به هیچ وجه معلوم نشده است و همایش به تقالی و نکته بینی و ایرادات و حرف مفت گذشته است. حالا از دو کادر یکی را باید کرد اگر امور اصلاحات چاره پذیر است بگیرند و بکنند و بکنیم چرا بی جهت معلل و حیران هستید اگر چاره سرور نیست او را هم سرپیضا<sup>۱۰۱</sup>

بگیرند و تاریخ از تفکرات بشوید و دیگر حرف نوبینه<sup>۱۰۱</sup> بگویند  
 او کادر صحبت سفره به میان می آوردم ترجیح مید همه لغتی به شاه بود هر چه می گفتیم مگر خوب نیست آخر حالا ما تالان و نمک این سرور را

پنجم: کرده رهای محیط بین المللی: جبارت از کوشش ها و اعمال و اقدامات کشورهای مهم نظام بین المللی در سالهای ۱۸۱۲ تا ۱۸۷۲ همسر با ایستارهای نظام بین المللی است که منجر به رفتارهایی چون کنفرانس ها و جنگها و صلحها و عقد پیمانها و کنگرها و دیپلماتیها و اتحادیه و برهم زدن اتحادها و استعمار و دخالت در امور داخلی کشورها و غیره می شده است. به عنوان نمونه در سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۸، روسیه تزاری و انگلستان، خطری به نام آلمان را به عنوان نیروی سوم موجود نمی بینند؛ ولی در سالهای ۱۸۷۰ رفتار هر دو کشور بزرگ به واسطه وحدت آلمان با ایران تفاوت کرد جهان گریزبل می نویسد: «آغاز قرن بیستم را بهتر است سال ۱۸۷۱ یعنی سال وحدت آلمان بدانیم که عصر جدیدی را در روابط بین المللی به حرکت درآورد و رفتارهای انگلستان و روسیه در ایران و در سایر نقاط جهان از آن بسیار تأثیر پذیرفت. در مجموع با برداشتن ابتدایی از عصر نظام بین المللی سدل چمبر روزانه قصد فهم و شناخت بهتر و بیشتر روابط خارجی ایران را داریم.

#### ۴. برخی استاد و مدارک تاریخی

می توان بدون شرح و وصف برخی استاد و مدارک تاریخی را معرفی کرد و نشان داد که چگونه می توان با کوریت یک مدل نظری تصمیم گیری، استاد به ظاهر ساکت و حامت را به سخن درآورد. این شواهد را بدون هر گونه توضیح تاریخی می آوریم و قطعوت و تفسیر را برپسای سدل پیش گفته به خواننده ترموش می سازیم.

فرواید و مدالی این سفر مشاورتی به فرنگستان در نظر اطلب قضایی ما هنوز به آنطور که باید معلوم نشده است. این عزم ملوکانه محض سیاست بسته این یک شامره بزرگی است. مقصودت عالی درست به عمل آید. نتایج

می‌شود که به فلان توکر باصمد تومان انعام داده شود، نویسندهٔ برات مختار است که برات را هر وقت و هر جا که می‌خواهد می‌نویسد. هر گاه را پیش‌تر از بگردد فی‌الورد می‌نویسد. هر گاه میل نداشته باشد تا شش ماه کسالت و تشخیص تحویل می‌دهد. بجزاره صاحب برات باید گاهی... غلام و کبیر اقا را واسطه قرار بدهد تا پس از هزار قسم معطلی و ضرر آخر ببرات را در مسجد یا در یک مجلس مهمانی یا بر سر سواری مهر بفرماید،<sup>(۱۱)</sup> باز فرنگستان صد کرور پول بگیرد. از دول فرنگستان صد نفر معلم و محاسب و صاحب‌مغیب و اگوتومست و اومیتیت‌آورد بخواهد، این صد نفر معلم و صاحب‌مغیب را تو تخت ده نفر وزیر ایرانی مأمور نماید که وزارت‌خانه‌ها و کل مشغول اداره دولت را موقوف علوم این عهد نظم بدهند از ممالک فرنگستان بیست کپهای بزرگ به ایران دعوت نمایند و به آنها امتیازات بدهند که صد کرور دیگر به ایران بیارند و مشغول شوند. به آن احداثات معظم که در زبان فارسی اسم هم ندارند به راهشاهی این اوتومست‌ها و به توسط این کپهای مها راه‌آهن‌های ایران را از چندین جا شروع کنند. هر یک از ممالک ایران بانگ‌های تجاری و بانگ‌های ملکی و بانگ‌های زراعت بسازند. معادن و آب‌ها و جنگل‌های ایران را موقوف ممان اصول که در جمیع دول معمول است به کار بیاورند،<sup>(۱۲)</sup> امیرمسته مستوفیان این دوره میرزا یوسف مستوفی‌الممالک بود و وزیر عازق‌سابق کیمیاگر. دستش به کلی از لیاقت و قابلیت خالی بود. میرزا اکابم خان نظام‌الملک و میرزا عباس خان معمارالملک و میرزا احمدعلی خان صاحب دیوان، هر سه در حلقهٔ طیاران بودند و هر سه از مخالفان میرزا حسین خان. میرزا سید خان انصاری وزیر امور خارجه و میرزا محمدحسین شیرالملک، وزیر رسائل از کهن‌پرستان بودند. حسن علی خان گوروس، میرزا محمدخان محمدالملک سبکی و محمودخان امیرالملک سه تن بودند.

می‌خورد، می‌گفت تو نمی‌دانی این چقدر فایده است. یک صفت از شاه سابق ندارد... یک کلمه حرف راست نمی‌گوید و با هیچ‌کس خوب نیست و روی هیچ‌کس را سرخ نمی‌تواند بیند. طالب میلش به شخصی‌ها و رذل و سطله و تالاجیب است. از آدم معقول بدش می‌آید. هیچ‌کاری را منظم نمی‌خواهد، مگر فرق شکارگاه و امر خوراک خوردش را که کباب را خوب بیزند و بازیگی و پزیران جانی باشد. قدر خدمت احمدی را هم منظور ندارد و آخر الامر من و هر کس را که قاعده‌دان باشد پشایکی در ذات او باشد خواهد کشت یا تمام و کالعدم خواهد نمود. در اطراف، غیر از چند نفر جوان... باقی نخواهد گذاشت،<sup>(۱۳)</sup>

داز نیست پای و لقب زتوف مبارک شاهنشاهی... عاظم جمع است که به اوقیت یک مورد چه بی جهت رضا نمی‌دهند و از خود نیز اطمینان دارم که تازه شدمم قدم و نفسی بر خلاف میل مبارک برزمنی دارم، لکن خیلی می‌ترسم که سمایت مردمان مغرض طواری نماید که قلب مبارک را خدای بگیرد از نیت حقیر منحرف سازند. لابد شدم که در این موقع جسارت ورزیده به خاطر مبارک بیارم و وعده ملوکانه که در تروی فسیاسی مطهر حضرت سیدالشهباء سلام‌الله‌علیه در بالای سر تیر سوز روزی که از سر غیر مبارک تربیت برمی‌داشتند و به جز این بنده خاکسار و میرزا حسین، کلیددار حضرت، احدی در حضور مهر ظهور نبود به این غلام خانه‌زاد در ازای خدمات سفر حیات عالیجات و قیرا هم آوردن اسباب این مسافرت همایونی در دولت عثمانی فرمودند. خداوند تعالی و حضرت سیدالشهباء سلام‌الله‌علیه شاهد وعده همایونی در آن مکان مطهر سوز هستند. دیگر امر و اختیار در قدرت همایون شاهنشاه ظل‌الله روحنا فداه است،<sup>(۱۴)</sup> یعنی وقتی که پادشاه یک حکمی می‌کند عمل دیوان مختار هستند که حکم پادشاه را به هر قسمی که می‌خواهند مجری بدارند. مثلاً حکم

ساخته و پرداخته گردید. کوره توپ‌ریزی و چرخ سوراخ کردن توپ به وضع فرنگ ساخته گردید. مدتی بود که در بلده خوری به امر نایب‌السلطنه پاشی ماهوت‌سازی نهاده و در پاتین و ساختن ماهوت اقدام می‌کردند. ولی استناد چندان که تلاشی کردند به قماش ماهوت فرنگ، کار از کارخانه بیرون نمی‌آمد. در این اوقات اسباب و ابزار او را از دیار روس آورده به اهتمام تمام مشغولند و کار سر و صورتی به هم رسانیدند.<sup>(۸۱)</sup>

همی فرمایند پس آخر چه باید کرد؟ جوانی که دزم کم کسی در ایران خواهد فهمید و لیکن گمان من این است که پندگاز عالی‌جنوب درکی خواهد فرمود. در این عهد حفظ دولت قواعد و شرایط معین دارد. همه این قواعد درونی مثل قواعد صرف و نحو عربی مشخص و مقرر شده است. چنان‌که برای تحصیل زبان عربی کمال سعادت خواهد بود که به‌خواهیم اساس زبان را به میل خود تغییر بدهیم. از برای تعلیم دولت نیز مستهای جهالت خواهد بود که ما پیشینم و شرایط علوم درونی را مواضع دناخواه خود تغییر بدهیم. یا باید از تحصیل زبان عرب صرف‌نظر نماییم یا باید قواعد صرف و نحو را خواه ناخواه نقطه به نقطه متابعت کنیم. یا باید از تنظیم دولت چشم‌پوشیم یا باید اصول تنظیم را نقطه به نقطه قبول و پرستی نماییم.<sup>(۸۲)</sup>

دشمنم حال آقا میرزا حسین منشی سفارت گیری به مورالیت شما کتابی از تعلیل سیاست، سفارت و اوضاع اروپا نوشته، می‌خواهد در تیریز چاپ نماید. لازم آمد برای استحضار شما بنویسم. البته دانستید که فرزند مکرّم سلسالمنگ هم در اوقات سفارت خود این طور کتابی نوشته می‌خواست چاپ بکند. به جهت اینکه برای مردم صرف اوضاع اروپا به اوضاع ایران درست معلوم نشود راضی نشدم چاپ بزنند. شما هم البته بخوانید. گلدشت آقا میرزا حسین این کتاب را باسمه نماید که منتشر شود.

هم‌چنان که به درجست محطک گرایشی به اصلاح و تزکی داشتند. از پرکشیدگان خود سیه‌الان، میرزا عبدالوهاب خان نصیرالدوله و میرزا قهرمان امین‌النگر، اولی را به وزارت تجارت گمارد و دومی را به وزارت گمرکات مقرر نمود. او کار درآمد همکاران نوشتند. میرزا حسین خان عیارت بودند از اصفهان‌السلطنه، مستشارالدوله، محسن خان معین‌الملک، حسن‌علی خان کروسی، ملکم خان و میرزا محمد خان بهبهانگی.<sup>(۸۳)</sup>

ممکن نیست ناصرالملک شریک اعطاء این قوم کورسایه‌پرست باشد. این تلگراف امین‌الدوله است که خودش زفته و جمع سرکرده‌ها را هم با خود برده است. میرشکار آمد و گفت حاجی سفاک‌نورده می‌گوید اگر شاه، صدراعظم را در آستین خود بنواهد حفظ نماید، من با انگشت‌هایم چشم‌هایی او را در می‌آورم. خدا می‌داند که من عیاناً از حالت خودم بشکر دارم. آسوده نشستم و در خارج تماشا می‌کنم و رنج حسنگی می‌نمایم. اگر هیچ‌کس نداند شما خوب اصلاح دارید که من خیال مراجعت از فرنگستان نداشتم. درباره من خوب کرده و سرا آسوده کردند. لیکن خبر نیست که ملت را در انتظار اروپا ضایع و رسوا و خارج از استعداد مدیبت قلم دادند و شمر سفر به این حوض را به خطر دادند. من همه آنها را قلیاً حق نمودم. حاجی سفاک‌نورده را خیلی سلام برسانید.<sup>(۸۴)</sup>

ساعتین توپ و شلیق توپ‌اندازی توپ‌چنان چابک‌دست درخ‌شور از انگلیس و فرانسه پاشی متنی کردند نهادند و کوره توپ‌ریزی و چرخ سوراخ کردن توپ به وضع فرنگ ساخته گردید. از اول تا به اکنون قریب صد لقمه توپ صخره‌کوب جهان‌آشوب از کوره بیرون آمد. کار جنگ بر وجه دناخواه ساخته نمی‌شد و توپ نایب‌السلطنه به نظر وقت ملاحظه فرمودند که جنگ فرنگ همان نظام است که خداوند مجید در قرآن حمید‌البار به آن فرموده. بارو بخانه به وضع بارو بخانه فرنگ

روابط خارجی و مناسبات فخری‌ری ایرانی دوره ناصرالدین شاه به‌کار بستیم با چند مشکل عمده مواجه خواهیم شد: مملکت چیمز روزان می‌تواند سیاست خارجی است درحالی‌که شاید نتواند باقیم کم‌پیش به‌طرزی سطحی نشان داده باشیم که ایرانیان دست‌کم در دوره ناصرالدین شاه به‌طور قطعی از عقول سیاست خارجی بی‌بهره بوده و آنچه اعمال کرده‌اند، رفتارهای کشتی‌پایانه خودپاییز، رخته‌پاییز، تصمیم‌پذیر بوده است که نمی‌تواند به آن نام سیاست خارجی داده

می‌گمان مملکت تصمیم‌گیری‌های چیمز روزان می‌تواند به یک توصیف و یا شرح خوب‌انگاده دست‌از تصمیم‌گیری در سیاست خارجی یک کشور مورد پژوهش بچسبند، ولی نمی‌تواند نشان‌کننده ماهیت آن باشد. پرسش محوری نگارنده مربوط به نشان است. پس چگونه می‌توانیم از مملکت روزان بهره ببریم؟ مملکت چیمز روزان هم می‌تواند اطلاعات فزاینده‌ای به‌صورت منظم کرده آورد و هم می‌تواند یک توصیف‌گر درخشان باشد. ولی این هر دو وضع، منوط به آن است که اطلاعات به‌طرزی ممکن فراهم باشد. این اطلاعات دست‌کم در هیچ‌کدام از مقاطع تاریخ معاصر ایران فراهم نیامده است. پس چگونه می‌توان از مملکت بهره گرفت؟ در متون‌های پنج‌گانه مملکت روزان دوره‌نامه‌هایی هست که با ساختار سیاسی-اداری و سایر تحول‌آلوده در ایران، هم‌زمانی و موافقت نمی‌کند. آیا مملکت‌ها در ایران دوره قاجاری از مفهوم دولت و حاکمیت<sup>۱</sup> سخن گفتند؟ آیا می‌تواند در ایران دوره ناصرالدین از مفهوم لوهمک سیاسی که مفهوم پیشین است از شکل‌گیری دولت و حکومت است سخن گفتند؟ آیا می‌تواند در ایران دوره ناصرالدین از مفهوم دیپلماتی که مفهوم پسری و مدرن و پیشین است سخن گفتند؟ آیا در وجود یک نظام سلطنتی سه‌پایانه می‌تواند از جایگاه

1. State  
2. Sovereignty

و برای مردم، درست آگاهی از اوضاع اروپا حاصل شود که معصمت نیست.<sup>۲</sup>

حکمیاتی‌ها بدون اختیارات دولتی به ایران نخواهند آمد. دولت ایران باید هر قدر که بتواند به کمیته‌های خارجه اختیار بدهد. دولت ایران باید خیلی مشترک و خوب‌توان باشد که کمیته‌های خارجه به احتمال منابع بسیار کم سرمایه‌های مادی و علمی خود را بیازورد صرف‌آلودی ایران نمایند. از کسرت مسائل کمیته‌ها نباید حسد برد. اگر کمیته‌ها مسائل زیاد بکنند به ایران نخواهند آمد. و اگر نباید ایران آباد نخواهند شد. باید جمع‌یافتن و روزه‌خانه‌ها را به‌کلی باز کرد. باید از تجارت‌خارجه ترسید. باید به عموم خلق دنیا امان داد و تشویق کرد که هر قدر بتوانند از خارجه مسائل بیازورند و از ایران سال بیزند. اجرای این اصول اول تکلیف مردمی، اولین وظیفه دینی و اولین حکم عقل شده است. بدون اجرای این اصول خلق و دولت ایران از این دریای قفر و از این بن‌بیه هرگز خلاصی نخواهند یافت.<sup>۳</sup>

#### نتیجه‌گیری

روابط خارجی ایران دوره ناصرالدین هم در عصر امیرکبیر و هم در عصر سپهسالار - از چه محیطی در داخل و خارج برخوردار بوده و چگونه و چه نوعی از رفتار را در عرصه روابط خارجی از خود بروز می‌داده است؟ مملکت تجارت از یک واقعیت کوچک‌شده توریک است و رهیافتی نظری محسوب می‌شود که می‌تواند در انتهای هر پژوهشی، رویکردها و سایر رویکردهایی را به‌صورت عملی نشان دهد. مملکت تصمیم‌گیری‌های چیمز روزان از جمله مملکت‌هایی است که برای توضیح و تبیین شیوه و ماهیت تصمیم‌گیری در سیاست خارجی کاربرد دارد و از میان آنها جامع‌ترین محسوب می‌شود. حال اگر بخواهیم این مملکت را با تمامی زوایای فردوسی و دیپلماتی‌هایش در باب تاریخ

## پس‌نوشت‌ها

۱. دلدار، علی (۱۳۹۱). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد. چاپ دوم، صص ۲۲۹-۲۲۸.
۲. زلفی، عباس (۱۳۸۰). ایران پیش از سرمایه‌داری: ترجمه حسن شمس‌آزری، تهران: نشر مرکز، صص ۱۳-۱۲.
۳. انگلسترون، ارنست (۱۳۹۹). فلسفه تاریخ، روزنامه‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ترجمه حسین طرابی، تهران: طرح نو، صص ۱۹-۱۵.
۴. آدیت، فریدون (۱۳۹۱). دورنگ تاریخی و روش تحقیق، شماره ۸۴، دی ۱۳۹۱، صص ۳۳۹.
۵. زلفی، عباس، سمنگوسف (۱۳۹۲). مبانی تاریخ، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، قم، صص ۱۱۱-۱۰۹.
۶. دورانی، جیمز، فاکر گراف، زبیرت (۱۳۹۲). نظریه‌های متفاوتی در روابط بین‌الملل: ترجمه علیرضا طیب و وحید یزدی، تهران: فرس، جلد اول، صص ۵۵.
۷. کوری، ریچارد، کاپلر، لورینک، وان (۱۳۷۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی: ترجمه عبدالصمد بیگ‌نور، تهران: نوبت، صص ۱۱۵-۱۰۹.
۸. پاتل، مانیما (۱۳۷۵). پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری، تهران: چشمه، جلد اول، صص ۵۸۷-۵۸۵.
۹. شهابی، هوشنگ، لیز، جوان، حمزه (۱۳۸۰). نظام‌های سلطنتی، ترجمه سیدمحمد صوری، تهران: شیرازه، صص ۳۲-۳۱.
۱۰. کاتسپا، لایمه (۱۳۷۰). نگاهی سه بر یکی: اسناد روابط خارجی ایران در دوره قاجار، کنگره اسناد، سال ۱، دفتر ۳، تابستان ۱۳۷۰، صص ۴۴.
۱۱. تیموری، ابراهیم (۱۳۹۲). مبصری خیری با تاریخ اختیارات در ایران، بی‌جا: انتشارات چاپ چهارم، صص ۵-۳.

۱. نگارنده در این مقاله به معرفی و آشنایی کلیه روش‌های مبانی و مدل تصمیم‌گیری روزانه در پژوهش‌های تاریخی پرداخته است. بنابراین از تمامی منابع معرفی شده هم به صورت مستقیم و هم به‌عنوان استنادی هم، توجه است.

و میزان اختیارات افراد در عرصه تصمیم‌گیری سخن به میان آورده<sup>۹</sup> آیا در ایران دوره ناصری در نظام بین‌المللی، محیطی به نام محیط جنگ سرد داشته‌ایم؟ پس چگونه می‌توان از مدل چیر روزانه بهره گرفت؟ مدل تصمیم‌گیری روزانه در چابک‌مندی می‌خواهد نشان دهد که یک کشور در عرصه سیاست خارجی خوش یا نکیه بر کدام محیط داخلی و خارجی و با کدام نوع از قواعد رفتاری در سیاست خارجی روی خواهد آورد؟ حال در ایران دوره ناصری با آن ویژگی‌های معنایی می‌توان از نوعی رفتار خاص که حکایت از رفتار بودن و کشش گر بودن داشته باشد، سخن گفت؟ بنابراین تاچتر باید به دو کار دست زد (۱) کار بست مدل، (۲) تألیف در زمینه‌های مدل، به این تعبیر که:

الف - با مفروضات انگلستون روابط خارجی و نه سیاست خارجی در عرصه رفتار فراسرزی ایران، مدل روزانه را به صورت آزادانه به کار بستیم تا حداقل داده‌های مستقیم به دست داده باشیم.

ب - با تغییراتی که در محتوای متغیر چهارم و پنجم صورت داده‌ایم به‌زعم خود توانستیم مدل را به تبیین رفتار ایران.

ج - کمی اطلاعات را با رجوع به کتاب‌ها، مقاله‌ها و اسناد بسیار زیاد چیران گردانیم ولی با نکیه آزادانه و اقتیاسی به مدل روزانه سه امر انتظام داده‌ها نیز بسیار دانشمبول بوده‌ایم.

د - فرض گرفتیم که بالاخره با نوعی خام و اولیه از مفهوم دولت، حاکمیت، دیپلماسی و فرهنگ سیاسی در دوره ناصری مواجه بوده‌ایم و همان را برای بررسی کافی داشتیم. ولی محیط جنگ سرد را حذف و در عوض یک رفتار فراسلطنتی به‌جای آن به کار بستیم.

ه - سعی کرده‌ایم با نکیه آزادانه و اقتیاسی به مدل روزانه نشان دهیم که به‌رغم وجود بندش رفتارهای فعلایی، کشمکش و تأثیر گزارانه از سوی ایرانیان، در نهایت برخی رفتارهای معنی‌دار در روابط خارجی ایران رخ می‌داده است.

ترجمه و نشر کتاب.

از دستورالعمل‌ها (۱۳۳۷) روزنامه‌های اجتماعی، ترجمه حسین شکرشکری، تهران، رنده، چاپ چهارم.

افشار، محمود (۱۳۸۸) گنجینه مقالات، مقالات سیاسی با سیاست‌ها جدید، تهران، نگاه، مقالات دکتر محمود افشار پزوی.

بازو، حمزه، امنیت، ماباکی (۱۳۷۲) ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در فضای راستگویی نظامی کشورها، ترجمه و تحشیه سید حسین سیدزاده، تهران، نوین، چاپ دوم.

بروجردی، هوریا (۱۳۷۸) مصلحت در باب مظاهر ملی‌گرایانه از هورت ایزنهای، ترجمه ملی‌گرایان، تهران، سال ۹، شماره ۴۷، مرداد و تیر ۱۳۷۸، صص ۵۸-۴۵.

پهاری، اسدیار (۱۳۷۷) نظام‌های سیاسی در کشورهای پیرامونی شرقی، ترجمه ترجمه، نشر مفاقی، ۳۳۳۲، مرداد ۱۳۷۷، صص ۹-۸.

پروین، لاری ای (۱۳۷۲) روزنامه‌های اجتماعی، ترجمه محمد صفور جوانی و پروین گلپور، تهران، رنده، چاپ سوم.

پوزاکی، محمد (۱۳۷۵) فرهنگ و مدنیت غرب در چشم و دل متفکران ایرانی از آغاز تا خاتمه تا پایان دوره ناصرالدین شاه، تهران، سال ۹، شماره ۳۵، اسفند ۱۳۷۵، صص ۵۳-۳۸.

پوشنگی، زینب (۱۳۷۹) ایران و مغرب‌ها، ترجمه حسین سامی، تهران، افکار، خوشنویس، سنده‌های (۱۳۷۵) تجربه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست‌های ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

سید احمد (۱۳۷۳) اقتصاد ایران در دوران نوزدهم، تهران، نشر چشمه.

سیدزاده، سید حسین (۱۳۷۹) ماباکی و ماباکی، تصمیم‌گیری در سیاست‌های ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم.

ایران در آنده، صفحه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۵۰، تیرماه ۱۳۷۷، صص ۱۲۳-۱۱۹.

ایران (۱۳۷۸) مصوبه روابط بین‌الملل (الف و ب)، تهران، دادگستر.

شیرازی، دوران (۱۳۹۲) روزنامه‌های اجتماعی، ترجمه سعید سادگیا، ترجمه گستر.

۱۲. برزنجی، عبدالصمد، آیه کوثرش [۱۳۱۱] شرح حال مجلس سیزدهم، ملکی، آران، سیراوی، ناصرالدین شاه، تهران، باک، صص ۱۲۴.

۱۳. عباسی، محمدرضا آیه کوثرش [۱۳۷۲] حکومت سیدها، استاد معزیزآیه و سیاسی، صص ۳۱۶-۳۱۲.

۱۴. اسفندیاریان، کریم آیه کوثرش [۱۳۵۰] مجموعه اسناد و مدارک شرح حال اسفندیاریان، قسمت سوم، مربوط به سال‌های ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵، تهران، دانشگاه تهران، صص ۳۳۹.

۱۵. اصل، سعیدتاج (۱۳۳۹) زندگی و فعالیت سیزدهم، حال نظام‌ها، تهران، نشر نو، صص ۱۰۰.

۱۶. آرمیت، فریدون (۱۳۵۱) زندگی، زندگی و حکومت قانون صغر، تهران، خوارزمی، صص ۲۵۲-۲۴۶.

۱۷. عباسی، پیشین، صص ۹۱.

۱۸. همان.

۱۹. سبلی، خورشیدی، احمد (۱۳۷۲) نامه ملوک، حال به سوزا حسین، حال سیدها، آینه، سال ۱۹، شماره ۱۳، فروردین تا خرداد ۱۳۷۲، صص ۱۳۴.

۲۰. حاجری، عبدالجباری (۱۳۷۸) از زمین‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه سیدها، تهران، گذری، ترجمه‌های فارسی، در دو جلد، پیشین، سیدها، دانشگاه مشهد، صص ۱۱۰-۱۱۱.

۲۱. اصل، پیشین، صص ۱۸۸-۱۸۷.

منابع:

آرمیت، فریدون (۱۳۳۲) اسیرکس و ایران، تهران، خوارزمی، چاپ هفتم.

آل تارود، سیدعلی (نگارش و تألیف) [۱۳۷۹] اسناد و نامه‌های اسیرکس، تهران، سازمان اسناد ملی.

اصدقی، حمید (۱۳۷۸) اسناد نگارش در نظریه روابط بین‌الملل، از ولف گنشین تا ولف گنشین، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۷۹، صص ۱۳۹-۱۱۳.

برکاتسکی، ای. اف. اف. ۵ (۱۳۸۸) سیاست جهانی، ترجمه حسین فرهودی، تهران، نگاه.



خوشنهاد، تهران، نشر تو، چاپ چهارم.

کلاسی برک، ابو (۱۳۵۲) روزانه‌های اجتماعی، ترجمه علی محمد کاروان، تهران، اندیشه و فرهنگ، جلد دوم، چاپ پنجم.

کوثری، محمود (۱۳۷۹) آسیب‌شناسی فرهنگی ایران در دوره پانچم، تهران، پایگرتویلی، خانه‌های سوز، (۱۳۷۷) تاریخ جهان در سیرت، کتاب اول، سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۴۵، ترجمه جمیله شیرازی و فضل‌الله جلوه و علی‌اصغر بهرام‌بگمی.

تهران، فرزات روز.

کنسی، محمود (۱۳۷۰) روان‌شناسی نوارده‌های کورنی، تهران، بهشت، چاپ دوم.  
ملک، نریمان (۱۳۷۱) اصول روان‌شناسی، ترجمه محمود ساداتی، تهران، امیرکبیر، جلد اول، چاپ دوازدهم.

مورگنتا، هانی، جواکیم (۱۳۷۴) سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمید امیرا، تهران، وزارت امور خارجه.